

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

شادباش

کمیته مرکزی حزب توده ایران
به امام خمینی رهبر انقلاب
و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

بمناسبت دومین سالگرد
انقلاب بزرگت مردم ایران

حضور امسام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران کمیته مرکزی حزب توده ایران، دومین سالگرد خجسته انقلاب بزرگت مردم ایران را حضور امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، صمیمانه شادباش می گوید.

انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن نقطه چرخش بس مهمی در تاریخ کشور ماست، که رهائی از سلطه دوزخی امپریالیسم، سرکردگی آمریکای جهانخواه، و نجات از یوغ نکیبتبار یک رژیم وابسته، مستبد و ضد خلقی را برای مین استعمارزده و مردم بلاکشیده ما به ارمغان آورد. پس از سالها زندگی در سیاهی و تباهی و محرومیت، مردم ما توفیق یافتند که حکمران مین خود و صاحب اختیار سرنوشت خویش باشند.

انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، زنجیرهای اسارت نواستعماری را از دست و پای مردم زحمتکش گشود و برایشان این فرصت مغتنم را پدید آورد، تا تمام نیروی رزمندگی و استعداد و ابتکار و خلاقیت خود را در پیکار علیه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع وابسته به آن، و در راه بازسازی مین انقلابی بکار گیرند.

انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن هم اکنون در حصار توطئه های بیشمار امپریالیسم غارتگر آمریکا و متحدان و دست نشاندهانش و ویرانگریهای عدیده ضد انقلاب پرورده اش، در طیف های گوناگون آن، با دشواری راه بجلو میکشاید.

ولی ما تردید نداریم که توده های مردم جان برکف مین، با ادامه راهی که خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی مشخص ساخته، انقلاب را از چنبر جنگ تعمیلی و مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی بیرون خواهند برد و راه را بسوی پیروزی های بازم بزرگتر خواهند گشود.

پیروزیاد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن!
مستدام یاد رهبری امام خمینی!
زنده باد مردم پیکارجوی ایران!
برقرار باد اتحاد مردم ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول: نورالدین کیانوری
۱۳۵۹/۱۱/۲۰

رفیق نورالدین کیانوری:
دوره مین بیابان انقلاب شکوهمند
تیم مین دما، بیابان پیروزی پر تو و طنده های
پیدایی اندیر پیا ایسیم و ضد انقلاب

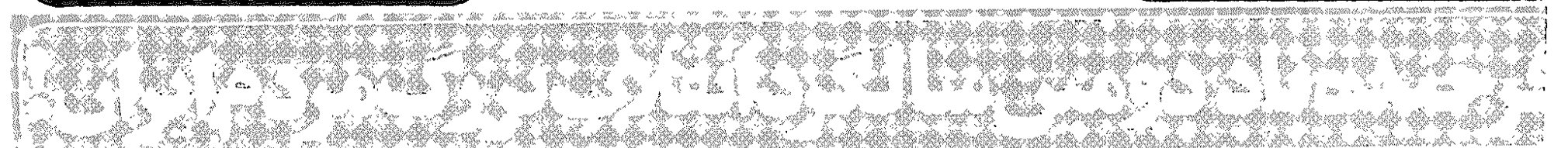
دستاوردهای انقلاب که از میان آتش و خون بدست آمد...



هدیه سازمان
حزب توده ایران
در بریتانیا

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۱
سه شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۴ ربیع الثانی ۱۴۰۱-بها: ۱۵ ریال

بایاد همه شهیدان راه
استقلال و آزادی ایران
خونبها
ای دوست شادباش که شادی سزای تست
این گنج مزد طاقت رنج آزمای تست
صبح مراد و پرتو دیدار و بزم مهر
ای دل بیا که اینهمه اجر وفای تست
این باد خوش نفس به مراد تو می وزد
رتص درخت و عشوه گل در هوای تست
شب را چه زهره کز سر گوی تو بگذرد؟
کان آفتاب سایه شکن در سرای تست
خوش می برد تو را به سر چشمه مراد
این جستجو که در قدم رهگشای تست
ای بلبل حزین که تپیدی به خون خویش
یاد تو خوش که خنده گل خونبهای تست
دیدای دلا که خون تو آخر هدر نشد
کاین رنگت و بوی گل همه از نافه های تست
پنهان شدی چو خنده درین کوهسار و باز
هر سو گذار قافله های صدای تست
از آفتاب، گرمی دست تو می چشم
برخیز کاین بهار گل افشان برای تست
با جان سایه گرچه در آمیختی چو غم
ای دوست شادباش که شادی سزای تست
۱.۵ سایه



حماسه‌های خلق در جبهه‌های جنگ

دفاع از خلق قبرمان ایران از وطن انقلابی در برابر تجاوزگران صدامی، حماسه دیگری از نبرد سراپا اینار و شور توده‌های مردم زحمتکش است.

هر لحظه این جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا، فصلی شکست از رزم و ایمان، از خروش و فداکاری توده‌های مردم زحمتکش است. هر سنگر این نبرد استرگه کتاب ناکفته‌ای از اتحاد و دل‌آوری است. هر نهر خونی که بر خاک تفت زده جنوب جاری می‌شود، با خود هزاران خاطره حماسی را به دریای تاریخ می‌برد.

دزاین نبرد عادلانه، صف متحد خلق از پاسدار و ارتشی، از توده‌ای و مسلمان، از فدائی و داوطلب، همه و همه در کنار هم می‌رزمند و جان‌های پاک خود را نثار انقلاب می‌کنند.

دفاع از خلق قبرمان ایران از وطن انقلابی، کتابی عظیم است که تاریخ آن را بیگمان خواهد نگاشت.

نامه «مردم» به توبه خود بخشی از این حماسه‌ها را، با استفاده از خاطرات رفقای توده‌ای که از سنگرها برای ما فرستاده شده، و خاطرات دیگر رزمندگان، منتشر می‌کند. ما از همه رفقا، اعضا و هواداران و دیگر رزمندگان انقلابی می‌خواهیم که خاطرات خود را برای ما بفرستند.

انگشتی برای چکاندن ماشه

(از خاطرات یک رفیق دختر توده‌ای)

۲۰ مهر است. در کمیته امداد امام در گرمشهر غوغا است. رفت و آمد پزشکان و پرستاران در فریادهای زخمیان، در شمارهای توفانی رزمندگان، که با بدنهای درهم‌شکسته، فریاد «هرگ بر آمریکا» سر داده‌اند، بی‌پایان است.

برانکاری را می‌آورند. مردی بر آن خفته است. ۴۰ سال و شاید بیشتر دارد. چهره‌اش را ریش انبوهی پوشانده. از میان آن سیاهی اخگری می‌درخشد. چشمان روشنی دارد. چشمانی به رنگ آفتاب. چشمانش می‌خندد. مثل صبح بهار. و دهانش باز می‌شود، با لبخندی پر روشنی نگاهش. می‌گوید:

سلام خواهر!

او را می‌خواهند.

می‌پرسم: چه شده؟

می‌گوید:

هیچ، هیچی نشده، سالم هستم. سالم.

نگاه می‌کنم. دست راستش از ساعد به پایین از میان رفته است. تنها تکه استخوان شکسته‌ای با پوست خونینی از آن بجا

مانده است. زخم عفونت کرده است. بوی عفونت هوا را پر کرده است. شروع به پانسمن می‌کنم. می‌دانم که در این حالت بیمار درد وحشتناکی را باید تحمل کند. اما او می‌خندد. با صدای بلند می‌خندد. با اطرافیان شوخی می‌کند. انگار دستش چوبی است در دست من. گاه، فقط از تکان‌های عصبی، می‌فهمم که چه دردی را تحمل می‌کند و می‌خندد. یا صدای بلند می‌گوید:

حیف شد. مرا بزور زدن آوردند بیرون که بسرسانند بیمارستان. می‌خواستم با دست چپم بجنگم. لعنتی‌ها. دژخیم‌ها. خدا را شکر که هنوز یک دست دارم. خدا را شکر. با همان یک دستم می‌جنگم.

در همین موقع مجروح دیگری را می‌آورند. گلوله بیشتر انگشتان در دستش را برده است. فریاد می‌زند و بی‌تابی می‌کند. مرد اول به او خیره می‌شود. چیزی مثل آذرخش در نگاهش می‌گذرد. بعد او را صدامی کند:

برادر، برادر، ببینم. صبر کن ببینم. چرا ناراحتی؟

مجروح تازه وارد به جای خالی انگشتانش اشاره می‌کند.

مرد اول تنها دستش را بالا می‌آورد. انگشت سبابه‌اش را خم می‌کند.

می‌گوید:

اینرا داری؟

مجروح تازه وارد نگاهی به دستش می‌کند. سبابه دست راست باقی است. سری تکان می‌دهد. مرد اول می‌گوید:

پس چرا ناراحتی؟ همان کافی است. برای چکاندن ماشه، همان انگشت کافی است. بقیه انگشتها را می‌خواهی چه کنی، هان؟

بعد می‌خندد. مرد مجروح می‌خندد. من می‌خندم. بعد هر سه با هم اشک‌های شوقمان را پاک می‌کنیم و کینه‌مان را علیه دشمن جلا می‌دهیم.

داروهایم را به مصدومین دیگر بدهید

او را از آمبولانس مستقیم به اتاق عمل آوردند. ترکتش خمیازه شکمش را دریده بود. خون‌ریزی شدید بود. آماده تریق خون به او شدیم. تریق می‌خواست آغاز شود که مجروح تکانی خورد. نگاه بیرمقی به اطراف انداخت و آهسته گفت:

من می‌میرم. درمان یافته است. خون و داروها را صرف سایر مصدومین کنید. آنها را ازین نبرید. مرگ بر آمریکا!

زنده‌باد امام خمینی!

تریق را که شروع کردیم، او لبخندی زد و شهید شد.

نظیر چنین تظاهراتی، روز بعد نیز تکرار شد. لازم به توضیح است که محمد شیخ عبدالکریم، یکی از جاسوسان سنتی و دجیره-خوار رژیم‌های مرتجع منطقه و

عامل امپریالیسم در ایران و عراق است. وی ساکن پنجوین در عراق است و از نظر سیاسی همتای شیخ عثمان تقشندی در عراق است.

پس از جنگ اول کردستان، با تشکل صوفی‌های طسریقه

این اواخر شهرستان مریوان شاهد اعمال و حرکات مشکوکی است که می‌تواند بیانگر شروع توطئه جدیدی باشد. در دیماه گذشته گروهی از درویش قادریه، که در حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر بودند، در حین انجام عملیات «تیغ‌زنی» وارد شهر مریوان شدند.

رهبری این گروه را شخصی بنام «حاج علی گیکنی» از خلیفه‌های «محمد شیخ عبدالکریم» به عهده داشت. درباره علت این تظاهرات گفته می‌شد که:

«محمد شیخ عبدالکریم، طی نامه‌ای به حاج علی گیکنی سفارشی فرستاده، که چون پیروان طریقت ضعیف شده‌اند، هر چه زودتر درویش را جمع‌آوری کنند و با عملیات خود اظهار وجودی در جهت تقویت پیروان طسریقت بکنند.»

نظیر چنین تظاهراتی، روز بعد نیز تکرار شد. لازم به توضیح است که محمد شیخ عبدالکریم، یکی از جاسوسان سنتی و دجیره-خوار رژیم‌های مرتجع منطقه و

عامل امپریالیسم در ایران و عراق است. وی ساکن پنجوین در عراق است و از نظر سیاسی همتای شیخ عثمان تقشندی در عراق است.

پس از جنگ اول کردستان، با تشکل صوفی‌های طسریقه

تکذیب و تذکر دهقانان در انتظار اصلاحات ارضی

اختیار آذربایجان

شعری از شاعر شهید علی قنرت

و مطالب دیگر

پیام کانون دانش آموزان ایران به مناسبت آغاز سومین سال انقلاب شکوهمند مردم ایران

گرامی می‌داریم، و بار دیگر تاکید می‌کنیم که توطئه‌های امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا پایان نیافته است! لذا همه دانش-آموزان مبارز و انقلابی را به مبارزه‌ای متحد و یکپارچه علیه امپریالیسم آمریکا، متحدینش، ضدانقلاب و سازشکاران فرامی‌خوانیم!

دانش‌آموزان آگاه و انقلابی!

هم‌اکنون ضدانقلاب به همراه گروهک‌های خرابکار مائوئیستی و عناصر سازشکار به دستور اربابان آمریکائی خود می‌کوشند تا به هر قیمت شده مدارس، سنگر دانش‌آموزان انقلابی، را به هر چه و هر چه تعطیلی بکشاند. شما موظفید تا با اتحاد مستحکم خود این توطئه دشمنان انقلاب را هر چه سریعتر درهم کوبید. در این میان گروه‌های سیاسی دانش‌آموزی متعهد و انقلابی مسئولیت بسیار مهمی به عهده دارند. با اتحاد همه نیروهای وفادار به انقلاب و تقویت جبهه انقلاب در مدارس، جبهه ضدانقلاب را در مدارس تضعیف کنید و ضدانقلاب، گروهک‌های مائوئیستی و سازشکاران را از صفوف متحد میلیونی دانش‌آموزان طرد کنید و آنان را به انزوا کشانید.

مسئولین محترم آموزش و پرورش، مدیران و معلمان عزیز انقلابی، مسئولین متعهد امور پرورشی مدارس!

برای خاتمه دادن به وضع آشفته و بحرانی کنونی مدارس دست‌بکار شوید و با حل مشکلات آموزشی و رفع نارسایی‌های کنونی مدارس زمینه فعالیت ضدانقلاب را در مدارس از میان بردارید! برای باز کردن گره مسائل مختلف مدارس از نیروی متحد دانش-آموزان انقلابی و آگاه یاری بگیرید و با تشکیل شوراهای واقعی در مدارس احساس مسئولیت دانش‌آموزان را در پیشرفت کار آموزشی

مدارس بویژه در شرایط حساس کنونی، تقویت کنید. با تشریح اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور و مشکلات ناشی از جنگ با تجاوزگران صدامی و خرابکاری‌ها و کارشکنی‌های عناصر ضدانقلاب و سازشکاران در شئون مختلف کشور، دانش‌آموزان را از شرایط حساس کنونی که بسر می‌بریم آگاه سازید و نکذارید که عده‌ای از دانش‌آموزان ناآگاه به دام چار و جنجال‌های تبلیغاتی عناصر ضد-

انقلابی و گروهک‌های مائوئیستی و لیبرال‌ها گرفتار شوند.

آری! باید بدور از هر گونه تنگ‌نظری و با حفظ بردباری و هوشیاری انقلابی کلیه دانش‌آموزان را در جبهه انقلاب گردهم آورید و آنان را در فعالیت‌های سازنده مدارس در چارچوب شوراهای هماهنگی و صنفی نظیر تشکیل تعارنی‌ها، کتابخانه‌ها... و سایر نامه‌های هنری چون برگزاری تئاتر و... شرکت دهید. باشد که درسومین بهار انقلاب ایران، غنچه‌های کشور عزیز و انقلابی ما بشکفتند و فردای میهنمان را با زورتر سازند.

مرگ بر امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ادا روسته تجاوزکار صدام!

پیروزباد انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی!

دومین سالگرد انقلاب شکوهمندمان را به رهبر انقلاب، امام خمینی، مردم دلاور و قهرمان ایران و دانش‌آموزان و نوجوانان انقلابی کشور تبریک می‌گوییم.

اسمال دومین سالگرد انقلاب مصادف است با تجاوز رژیم جنایتکار امپریالیسم آمریکا و دست‌نشانده‌هایش علیه جمهوری اسلامی ایران. در طول دو سال گذشته امپریالیسم آمریکا و دیگر متحدینش لحظه‌ای از توطئه علیه انقلاب ایران آرام ننشستند. آنان با حمله مستقیم نظامی، تحریم اقتصادی، تدارک کودتا به دست بازماندگان و وابستگان رژیم منفرود گذشته... و تجاوز به سرزمین عزیز ما از طریق داروخته جنایتکار صدام کوشیدند تا جمهوری اسلامی ایران را سرنگون سازند. امپریالیسم آمریکا و یارانش همچنین از تدارک توطئه‌های داخلی و غیرمستقیم نیز غافل نبودند. آنان تمام کوشش خود را بکار بردند تا در صفوف متحد مردم شکاف بیاندازند، به جنگ برادر کشی میان ملیت‌های مختلف و تفرقه‌افکنی دامن بزنند و یا از طریق سازشکاران انقلاب را از مسیر ضد امپریالیستی خود منحرف کرده مانع از تعمیق و گسترش آن گردند و سرانجام انقلاب را به شکست بکشانند. اما مردم قهرمان ایران با رهبری قاطع امام خمینی توانستند هوشیارانه توطئه‌های امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را خنثی کنند و با اشغال لانه جاسوسی و تشدید مبارزات ضد امپریالیستی، پرده از جنایات امپریالیسم آمریکا و متحدینش در ایران بردارند و دست‌نشانده‌های داخلی‌اش و لیبرال‌ها را افشاء کنند و آنان را که سد بزرگی در مسیر تکاملی انقلاب بودند، از میان بردارند تا انقلاب مردم با گام‌های استوار به پیش رود.

هم‌اکنون نیز برادران و خواهران دلیر و قهرمان خوزستان و غرب کشور همراه با نیروهای ارتش، سپاه پاسداران، اعضای بسیج و... علیه تجاوزگران صدامی به نبرد برخاسته‌اند و با حمله آفرینی-های کم‌نظیر از میهن عزیزمان در مرزهای جنوب و غرب کشور پاسداری می‌کنند. دانش‌آموزان نیز در طول دو سال گذشته فعالانه با شور انقلابی در این جنبش عمیق ضد امپریالیستی مردم ایران شرکت کردند و همچون سرباز انقلاب، پاسدار دستاوردهای انقلاب در مقابل دسیسه‌های گوناگون ضد انقلاب بودند.

کانون دانش‌آموزان ایران نیز پس از پیروزی انقلاب شکوهمندمان همواره یار و یاور انقلاب بوده است. در این مدت کوشیده است تا دانش‌آموزان و نوجوانان انقلابی را از توطئه‌های امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ضد انقلاب هوشیار سازد و آنان را به رزمی بیکیفر و بی‌امان علیه امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب و سازشکاران فرا خواند.

اینک در آغاز سومین سال انقلاب، خاطره هزاران فرزند بخون-خفته خلق که جان خود را در راه بین‌روزی انقلاب، تداوم و گسترش آن و پاسداری از دستاوردهای انقلاب و میهن انقلابی از دست داده‌اند

عمال امپریالیسم آمریکا توطئه جدیدی در مریوان تدارک می‌بینند

این اواخر شهرستان مریوان شاهد اعمال و حرکات مشکوکی است که می‌تواند بیانگر شروع توطئه جدیدی باشد. در دیماه گذشته گروهی از درویش قادریه، که در حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر بودند، در حین انجام عملیات «تیغ‌زنی» وارد شهر مریوان شدند.

رهبری این گروه را شخصی بنام «حاج علی گیکنی» از خلیفه‌های «محمد شیخ عبدالکریم» به عهده داشت. درباره علت این تظاهرات گفته می‌شد که:

«محمد شیخ عبدالکریم، طی نامه‌ای به حاج علی گیکنی سفارشی فرستاده، که چون پیروان طریقت ضعیف شده‌اند، هر چه زودتر درویش را جمع‌آوری کنند و با عملیات خود اظهار وجودی در جهت تقویت پیروان طسریقت بکنند.»

نظیر چنین تظاهراتی، روز بعد نیز تکرار شد. لازم به توضیح است که محمد شیخ عبدالکریم، یکی از جاسوسان سنتی و دجیره-خوار رژیم‌های مرتجع منطقه و

عامل امپریالیسم در ایران و عراق است. وی ساکن پنجوین در عراق است و از نظر سیاسی همتای شیخ عثمان تقشندی در عراق است.

پس از جنگ اول کردستان، با تشکل صوفی‌های طسریقه

تکذیب و تذکر دهقانان در انتظار اصلاحات ارضی

اختیار آذربایجان

شعری از شاعر شهید علی قنرت

و مطالب دیگر

این هفته در نامه «مردم» بزبان کردی می‌خوانید:

- ایران انقلابی در آئینه آمریکای امپریالیست

- کمک تسلیحاتی دولت فرانسه به رژیم جنایتکار صدام بخشی از توطئه امپریالیسم جهانی، به-سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

- ازدیدگاه «سازمان مجاهدین خلق ایران» باند قاسملو بخشی از «جبهه متحد نیروهای انقلابی است»!

- در عراق چه می‌گذرد؟

- در کردستان، کارگران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند.

- اصطلاحات سیاسی-اجتماعی، شعر.

- ما و خوانندگان

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

یکی از هواداران در یزد

۳۵۰۰۰ ریال

گروهی از هواداران حزب در جنوب تهران

۳۰۰۰۰ ریال

۴ م از جبهه

۲۰۰۰۰ ریال

رضی. ف

۲۸۰۰ ریال

بی تا از فلکش

۲۳۵۰ ریال

این مسئله برخورد کنند و توطئه‌های احتمالی را، که ممکن است در پس این جریان بظاهر ساده نهفته باشد، کشف و رخنه‌سازند.

لرزم این برخورد هوشیارانه و قاطع، بخصوص با توجه به توطئه‌هایی که جهت ایجاد اختلاف و دزگیری بین هموطنان شیعه و سنی ما انجام می‌گیرد، بیشتر احساس می‌شود.

جلوگیری از توزیع نامه «مردم» در رشت

به علت مخالفت چند تن از اعضای سپاه پاسداران رشت، مدت سه روز است که «نامه مردم» در این شهر توزیع نمی‌گردد.

بر اساس اطلاعات رسیده، این پاسداران حکم آزادی «نامه مردم» و قانونی بودن آن را «جلسی» می‌دانند و به مسئولین حزب توده ایران در رشت اجازه توزیع «نامه مردم» را نمی‌دهند.

ما ضمن اعتراض شدید به این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

ما ضمن اعتراض شدید به این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

این عمل غیر قانونی، از مسئولین امور در شهر رشت می‌خواهیم که از ایجاد محدودیت در راه توزیع «نامه مردم» جلوگیری کنند و اجازه ندهند که نظریات شخصی افراد جایگزین قوانین و احکام رسمی مملکتی بشود.

پ: اعدام سردمداران رژیم سابق

انقلاب ایران توانست بخش مهمی از خیانتکاران و جنایتکاران رژیم سابق را به پای میز عدالت فرا بخواند. هزاران سواراکی، مقامات بالای اداری، کلان‌سرمایه‌دار، بزرگ‌زمیندار، مقامات بالای ارتش، ژاندارمری و پلیس دستگیر شدند. بیش از ۳۲۰ نفر از جنایتکاران رژیم سابق به جوخه اعدام‌سپرده شدند. هویسداها، قسری‌ها، خلختری‌ها، جعفریان‌ها، ناجی‌ها و... از عمال درجه یک رژیم سابق و شکنجه‌گران ددمنشی مانند تبرانی‌ها، کمالی‌ها، آرش‌ها و... و سرمایه‌دارانی چون اقلانیان و... که اکثریت مطلق این ۳۲۰ نفر را تشکیل می‌دادند، برای مردم ایران مظهر خیانت، جنایت، غارت و فساد بودند. بخشی دیگر از این جانیان‌بازندانیان درازمدت محکوم شدند. با اینکه فشار لیب‌الها متأسفانه توانست تیغ دادگاه‌های انقلاب را کند سازد، با اینهمه در طول دوسال گذشته، محاکمه سران جنایتکار رژیم پهلوی پیوسته ادامه داشته است. خوشبختانه در دوران اخیر روند دستگیری و محاکمه جانیان رژیم پهلوی بار دیگر شدت گرفته است.

ت: حقوق دمکراتیک

با درهم شکستن دستگاه‌های خفتان، ترور و شکنجه، برای اولین بار در تاریخ میهن ما سه استثنای لحظات تاریخی که درام گذشته مردم قهرمان ایران توانستند تا حدود زیادی از حقوق دمکراتیک خود استفاده کنند. طبقه کارگر از سلطه امریمنی رژیم پلیسی سواراکی، که بیشترین و طاقت‌فرسایترین فشار را به آن طبقه وارد می‌کرد، رهایی یافت. کارگران امکان یافتند که در شوراهای سندیکاها و اتحادیه‌ها که قانون اساسی هم آنها را تصویب کرده است آزادانه متشکل شوند. کارگران که در تاریخ ۷۵ ساله حیات طبقه کارگر ایران، تنها برای دورانهای کوتاهی، حق فعالیت آزاد را داشتند، بار دیگر توانستند آزادانه به فعالیت‌های سیاسی و صنفی بپردازند. در بخش عمده‌ای از کارخانه‌های ملی شده، کارگران، مستقیم و غیرمستقیم، در حیات سیاسی - اقتصادی خود شرکت فعال دارند. با استفاده از این آزادی کارگران قهرمان ایران، دوسال پیش، جشن اول ماه مه را با شکوه تمام برپا کرده‌اند. در متن همین آزادیها، طبقه کارگر قهرمان ایران در دوسال بعد از پیروزی انقلاب، دواطلبانه در صفوف اول مبارزه ضد امریالیستی شرکت داشته و پیروزی آن را تضمین کرده است. بدون تردید یکی از حیاتی‌ترین شرایط حفظ انقلاب ایران، حفظ و تعمیق این دستاوردهای طبقه کارگر برای حرکت بسوی آینده‌های درخشان است.

کساورزان، معلمان، کارمندان و دیگر زحمتکاران جامعه نیز، یابهای طبقه کارگر قهرمان ایران، امکان یافتند که آزادانه تشکیلات صنفی خود را برپا کنند و باین ترتیب راه را برای کسب حقوق دمکراتیک واقعی خود هموار سازند.

این واقعیت نیز گفتنی است که انحصار طلبان، قسریون، لیب‌الها، حقوق‌دمکراتیک آمریکائی، آگاهان و ناآگاهان، حقوق‌دمکراتیک زحمتکاران را مورد تهدید قرار داده‌اند و خواهند داد. لذا انقلاب فقط با طرد این عناصر و تثبیت و تعمیق حقوق دمکراتیک زحمتکاران خواهد توانست گام‌های بزرگ‌به‌جلو بردارد.

ث: آزادی‌های فردی، نسو سانسور و...

مردم قهرمان ایران، که بیش از هزاران آزادی‌های فردی برخوردار بوده‌اند، علیرغم فشار انحصارطلبان و کارشکنی لیب‌الها، در دو سال گذشته انبوه کتابها در همه زمینه‌ها چاپ و منتشر شده است. آثار و خواندن آنها در زمان شاه ملعون مجازات اعدام داشت، در دو سال گذشته در تیراژه‌هایی بیشتر از ۵۰۰ هزار نسخه به‌فروش رفته است. انبوه مجلات و روزنامه‌ها متولد شده‌اند. ارگان‌ها و نشریات اجزای و سازمانها و گروه‌های طرفدار انقلاب ایران، با وجود فشارهای لیب‌الها و انحصارطلبان و قسریون، رسا و با علا آزادانه چاپ شده و به‌فروش رسیده‌اند. مردم قهرمان ایران آزادانه در راه بیعتی‌ها و میتینگ‌ها شرکت کرده‌اند و... اکنون، در دوسال سالگرد انقلاب، لایحه فعالیت قانونی اجزای به مجلس شورای اسلامی ایران سپرده شده است. امید انقلابیون راستین آنست که این لایحه در انطباق با قانون اساسی، فعالیت اجزای، سازمانها و گروه‌های مختلف را در چارچوب جمهوری اسلامی ایران آزاد اعلام نماید و قانون رسماً از این آزادی حمایت کند.

ب: درهم شکستن ساواک و دیگر دستگاه‌های خفتان

انقلاب شکوهمند مردم ایران سبب شد، تا یکی از مخوف‌ترین دستگاه‌های پلیسی جهان، که در ارتباط با سازمانهای جاسوسی امریالیسم بر حیات مردم ایران سایه افراشته بود، نابود شود. همراه با نابودی ساواک، دستگاه‌های دیگر خفتان، مانند پلیس، ژاندارمری و ارتش به وظایف اصلی و واقعی خود بازگشتند. در نتیجه، دستگاه کنترل عظیمی که با خرج میلیاردها تومان، زندگی مردم را تحت نظارت داشت، درهم‌شکست. در دوسال گذشته، مردم قهرمان ایران، بدون هراس از ساواک زندگی کرده‌اند و اگر خطری آنها را تهدید کرده، تنها از طرف بازماندگان این دستگاه جنایت‌پیشه بوده است.

نگاهی به دستاوردهای انقلاب در دو سال گذشته

- * انقلاب ایران یکی از خونخوارترین و فرومایه‌ترین رژیمهای استبداد سلطنتی را سرنگون کرده است.
* انقلاب، ایران را از پیمان تجاوزکارانه سنتو خارج کرد، قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا و قراردادهای تسلیحاتی را لغو کرد و با چند کشور دست‌نشانده امریالیسم قطع رابطه کرد.
* خلق دشمن اصلی خود - امریالیسم آمریکا و متحدان آن را شناخت.
* انقلاب علاوه بر سرنگونی رژیم ننگین پهلوی، ضربات سنگینی به طبقات استثمارگر وارد کرد.
* انقلاب در روند تکاملی خود، دوستان و دشمنان خویش را بهتر شناخت.
* ۷۰/۸۵ درصد سرمایه‌گذاران خصوصی به مالکیت عمومی درآمده است.
* بیش از ۶۰۰ کارخانه در دو سال گذشته ملی شده است.
* انقلاب در دو سال گذشته ۳ برابر دوران ۵۰ ساله سلطنت پهلوی راه ساخته است.
* در دو سال گذشته ۱۵ هزار مدرسه تازه ساخته شده است.

برخی از آنها در دادگاه‌های انقلاب محاکمه و محکوم شدند.
ب- انقلاب علیه بزرگ‌مالکان زمین‌داران کلان، که دموین پایگاه طبقاتی رژیم وابسته پهلوی را تشکیل می‌دادند، ابتدا در چارچوب مصادره املاک خاندان پهلوی و زمینداران فراری ضربات جدی خوردند. تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی، با وجود برخی نارسائیه‌ها، ضربه بسیار سنگینی بر پیکر این طبقه ارتجاعی بود. همانطور که دولت موقت با کماشتن یکی از وابستگان بزرگ‌مالکان به وزارت کشاورزی کوتید تا مانع گسترش ضربات انقلاب به این طبقه شود، بعد از تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی، که خود آغاز یک نبرد طبقاتی سترگ بود، تیز شوالها و لیب‌الها به مبارزه‌های با آن پرداختند. تحت فشار آنها و بعلمت وضع خاص کشور، که درحال جنگ است، متأسفانه اجرای بند دج اصلاحات ارضی به آینده و تصویب مجلس محول شد. ولی مردم مستضعف و دل‌آز همه دهقانان کم‌زمین و بزمنین مطالبند که مجلس، با تصویب این ماده، زمینه را برای پیشبرد انقلاب و زدن ضربه قلمی به کلان‌زمینداران آماده سازد.

۲- شناخت نسبی دوستان داخلی

انقلاب ایران، هم‌زمان با شناخت دقیق دشمنان داخلی خود و مبارزه جدی با آنها، گام‌های مثبتی در شناخت دوستان داخلی خود برداشت. میتوان به روشنی دید که بویژه در دوران بعد از تجاوز امریکائی رژیم صدام به ایران انقلابی، در «باین» نطفه‌های «جبهه متحد خلق» بین مسلمانان انقلابی و دیروان سوسیالیسم علمی از سویی و بین نیروهای اسیدل مارکسیست از سوی دیگر، علیرغم تمام توطئه‌های لیب‌الها و مانوئیستی‌های امریکائی درحال رشد است. در «بالا» نیز نشانه‌های مثبتی از غلبه بسر پیشداوریها چشم می‌خورد. باید امیدوار بود که این نطفه‌ها در رشد خود به تشکیل «جبهه متحد خلق» - تنها راه برای تأمین پیروزی قلمی و نهائی انقلاب منجر شود.

۳- دستاوردهای ضد استبدادی و خلقی

انقلاب ایران در مرحله اول پیروزی خود به دستاوردهای ضد استبدادی عظیمی دست یافت:
۱- ملی کردن موسسات بیمه،
۲- ملی کردن شرکت‌های دارویی،
۳- لغو مالکیت اراضی موات شهری.
در نتیجه این اقدامات، به گزارش دکتر پلهر، وزیر آموزش و پرورش، هنگام ارائه کارنامه شورای انقلاب، ۷۰۰۸۵ درصد از سرمایه‌گذاران خصوصی بخش خصوصی به مالکیت بخش عمومی درآمد.

ت- آغاز اقدام علیه بورژوازی تجاری وابسته

بخشی از سرمایه‌داری وابسته به امریالیسم، که نه فقط از انقلاب صدمه‌ای ندید، بلکه برعکس، در دوران پس از انقلاب دامنه غارتگری و بهره‌کشی خود را توسعه داد، سرمایه‌داری تجاری وابسته واردکنندگان عمده کالاها امریالیستی است. مبارزه با این بخش از سرمایه‌داران نیز طبق قانون اساسی در دستور روز است. کلیات لایحه ملی‌شدن بازرگانی خارجی به تصویب مجلس رسیده و در آینده نزدیک باید در انتظار تصویب نهائی آن در مجلس بود.

ث- سقوط دولت موقت و شکست لیب‌الها

لیب‌الها، که به دلیل شرایط عینی توانستند اولین دولت بعد از پیروزی انقلاب را تشکیل دهند، در طول ۹ ماه، پراورج‌ترین فرست‌ها را از دست دادند و کوشیدند که انقلاب را در چارچوب منافع طبقاتی خود محدود کنند. تسخیر جاسوسخانه امریکا توسط «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» از سویی سبب شد تا دولت لیب‌اللی سقوط کند. از سویی دیگر، با تشدید روند مبارزه طبقاتی، بدنبال افضای‌استاد جاسوسخانه امریکا، ابتدا چهره بخشی از سرمایه‌دار بزرگ یاد کرد، سرمایه‌دارانی که

بنیادی تازه پیش رود. از آنجا که این پیشروی و تعمق تنها راه پیروزی قلمی و نهائی انقلاب است، توده‌های ما، مانند همیشه، با تمام نیروی خویش به کسب دستاوردهای تازه یاری خواهند رساند.

سیاست داخلی: ضد استبدادی، خلقی

انقلاب شکوهمند مردم ایران سه‌صخلت اصلی داشت: ضد امریالیستی، ضد استبدادی و خلقی. مردم ایران انقلاب کردند تا در صخلت‌های اول و دوم، بندهای داخلی و خارجی را از پای بکشند و راه را برای رسیدن به صخلت سوم، که همانا تأمین یک زندگی مادی و معنوی انسانی است، برای خویش بکشند. ما دستاوردهای انقلاب را در نیل به اهداف سه‌گانه خود، برای سهولت بیشتر در تقسیم‌بندی، در دو زمینه کلی سیاست داخلی و سیاست خارجی بررسی می‌کنیم.

۱- مبارزه علیه طبقات استثمارگر

از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب در دوسال گذشته، باید در درجه اول از ضربات جدی که انقلاب به سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ از نظر اقتصادی و به بورژوازی لیب‌ال از نظر سیاسی زده است، یاد کرد.

الف - انقلاب علیه سرمایه‌داران وابسته

انقلاب ایران به آن بخش از سرمایه‌داری ایران، که به شکلی از اشکال و یا راهی از راه‌ها، با سرمایه‌های انحصاری امریالیستی پیوند داشت و در نتیجه بطور عمده عملکرد آنها تأمین‌کننده غارت‌های امریالیستی بود، ضربات جدی وارد آورد. این ضربات در بخش‌های مختلف نوری‌تر و در رشته‌های دیگر ضعیف‌تر است. مثلاً در رشته بانک، با ملی کردن بانکها، امکانات غارتگری سرمایه‌بانکی و سرمایه‌مالی وابسته به امریالیسم به‌بیزان زیادی محدود شد. هرچند دولت دکام به گام، با تسامح اجازه داد که کلان‌سرمایه‌داران گرداننده این بانکها، جنایتکارانه ثروت ملی ما را به یغما برند، اما انقلاب سرانجام به این غارتگری پایان داد.

ب- سرمایه‌داری وابسته در کشاورزی، که اکثراً در واحدهای کشت و صنعت بزرگ، با سرمایه‌های مختلط یا سرمایه‌های انحصاری امریالیستی عمل می‌کرد، با ملی کردن این تأسیسات و یا مصادره املاک وسیع متعلق به جنایتکاران و فراریان، ضربه محکمی وارد شد. همین‌طور است وضع سرمایه‌دارانی که به سفته‌بازی روی زمینهای شهری اشتغال داشتند و سرفانی که دولت اقدام به جمع‌آوری آنها کرد.

در همین زمینه باید از مصادره اموال ۵۱ سرمایه‌دار بزرگ یاد کرد، سرمایه‌دارانی که

فرود توده‌های خلق دومین سال پیروزی انقلاب شکوهمند ایران را جشن می‌گیرند. اکنون دوسال از روزی که مردم قهرمان ایران، یکبارچه و متحد، به آخرین دژهای رژیم ننگین پهلوی حمله کردند و آن را فرو ریختند، می‌گذرد.

فرود دو سال از پیروزی خلق ما بر رژیم ددمنشی می‌گذرد، که طی ۵۰ سال وطن ما را به سرفه گسترده‌ای برای غارت امریالیست‌های ریز و درشت میل کرده بود؛ غارتی که برای آن را زحمتکش ایران با جان خود می‌پرداختند؛ رژیمی که نان سرفه زحمتکش را هم می‌ربود و هدیه‌ای غیر از جنایت، شکنجه و استبداد سبزه نداشت. پنجه‌های خونین امریالیسم، به سرکردگی امریالیسم آمریکا، با سرنیزه یکی از خونخوارترین رژیم‌های تاریخ، برای تاراج و آوردن منویات خلق ما هم نقتضای طولانی داشت. فحشاء، لاقیدی، زبونی، اعتیاد، فرهنگ عنف امریالیستی - همه و همه و گام بگام، با استفاده از عظیم‌ترین دستگاه‌های تبلیغاتی، خانه به خانه جا باز می‌کرد و جان خلق را می‌آلود.

دوسال پیش، در چنین روزهایی، خلق ما که برای فروریختن این رژیم خیانت، جنایت، غارت و فساد، ده‌ها سال مبارزه کرده بود، به آخرین سنگرهای دشمن تاخت، تا زنجیرهای اسارت را از گردن خود بکشد و زندگی درخور انسان، در زمینه‌های مادی و معنوی، برای خویش فراهم سازد.

اکنون که دومین سال پیروزی انقلاب را به پایان می‌بریم، این سؤال مطرح است که: انقلاب ایران تا چه پایه به خواسته‌های خود رسیده است؟ این پرسش به میان می‌آید که: انقلاب ایران چه دستاوردهائی داشته است؟ این سؤال از سویی، یعنی از جنبه خلق، بسا حسن‌نیت تمام مطرح میشود. و از سویی دیگر، یعنی از جانب امریالیسم، سواراکی‌ها، لیب‌الها و مانوئیستی‌های امریکائی به این قصد طرح می‌کرد که به آن پاسخ آریزیست تعیین شده‌ای داده شود؛ هیچ، هیچ‌نشده است! انقلاب نه تنها هیچ دستاوردی نداشته، بلکه از زمان شاه هم بدتر شده است!

دشمن به این شیوه می‌کوشد تا خاک در چشم خلق بپاشد و با بیپرده نشان دادن آن جناب‌های عظیم، که گویا نه تنها به نتیجه نرسیده، بلکه سبب بدتر شدن زندگی هم شده است، توده‌ها را از انقلاب جدا و سپس آن را نابود سازد. این خاک پاشیدن بر بینائی خلق، برای دشمن به دو دلیل آسان می‌نماید: از سویی انقلاب دستاوردهای خود را در میان آتش و خون و انواع توطئه‌های دشمن بدست آورده و باین ترتیب، این دستاوردها در گردو غباری که هر توطئه برپا میکند، کم و بیش پنهان‌مانده است. و از سویی دیگر، متأسفانه مقامات مسئول تبلیغات جمهوری اسلامی ایران کتر به شکافتن و معرفی این دستاوردها پرداخته‌اند.

حزب توده ایران، در دوسال گذشته، در همان حال که در توان خود، در سنگرهای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌زمیند، با قلبی پرطپش و نگاه نگران، لحظه به لحظه گام برداشتن‌ها، زمین خوردن‌ها و برخاستن‌های نوابوه گرامی انقلاب را مراقب بوده است. حزب توده ایران، در این دوران دشوار، در همان حال که به یاری تجربه عظیم و گرانبهای ۴۰ ساله خود، برای هر مشکل سیاسی - اجتماعی - اقتصادی طرحی ارائه کرده و راه برورفت از بحران‌ها را ارائه داده است، همواره نفس انقلاب را در دست داشته است.

بر این بنیاد است که اکنون به ارزیابی دستاوردهای انقلاب در دوسال گذشته می‌پردازیم. در این ارزیابی ایسن واقعیت تعیین‌کننده لحظه‌ای از یادرفته است که مردم ایران جامعه‌ای سرایا وابسته را از امریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌اش تحویل گرفتند. خیانتکاران، جلاوران و غارتگران که در هراس از انقلاب می‌گریختند، میلیاردها دلار دسترنج مردم ما را از ایران خارج کردند و خزانه‌های خالی را تحویل انقلاب دادند. امریالیسم، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، با تمام نیروی خویش کوشید که زمینه ۵۰ سال وابستگی عمیق در همه شئون استفاده کند و با استحکام اقتصادی و جنگ خرابکاری و پلوا و شورش، انواع توطئه‌ها و فریب‌ها، به انقلاب مجال بازسازی دوباره کشور را نهد. چنانچه دیگری از سرمایه‌داران نیز به‌بورژوازی لیب‌ال که در حیاتی‌ترین روزهای انقلاب، نزدیک به ۹ ماه قدرت را در دست داشتند و سپس در شورای انقلاب، با یک سال بعد از انقلاب، صاحب‌بندرت بودند و هنوز نیز در قوای مقننه و قضائیه و اجراییه صاحب نفوذ هستند، به نوبه خود، در هماهنگی با امریالیسم، کوشیدند تا انقلاب را قرمز کنند.

حزب توده ایران برشالوده این واقعات عینی است که نفوس دستاوردهای انقلاب را جمع‌بندی و آنها را ارزیابی می‌کند. باشد که به کمک همه انقلابیون، این جمع‌بندی و ارزیابی تکمیل شود.

حزب توده ایران آرزومند است که دستاوردهای حاصله حفظ و تعمیق شود و انقلاب شکوهمند مردم ایران یا گام‌های بلند در کسب دستاوردهای

مردم انقلابی میهن ما با سریندگی دومین سال انقلاب شکوهمند خود را به پایان می‌رسانند. اگر سال اول انقلاب به طور نسبی آرام گذشت، سال دوم انقلاب از آغاز تا پایان، پر تلاطم و برچاندن بود. اگر درست بررسی کنیم، هم آرامش نسبی سال اول و هم تلاطم بیابانی سال دوم طبیعی و قانونمندانه بوده‌اند.

آرامش پیش از طوفان

در سال اول دو عامل آن آرامش نسبی را موجب می‌شد. یکی این که صرب‌های که با سروری انقلاب ایران برابر می‌یستیم و دستگاه وابسته آریامه‌ری وارد شد، آن قدر سریع، سکنده و خرد کننده بود که این دشمن انقلاب را دچار سب و سرنگی ساخت، سیستم جایب‌سیه ضد اخلاقی آریامه در هم ریخت، حتی از مهره‌های اصلی جبهه دشمن "ناداس" (!) جناب حند دهساله خود را دریاست دادند و بخش دیگری فرار کردند. جدید سازمان دشمن خارجی و داخلی انقلاب حجاج رمان بود و از این رو حمله مقابله دشمن می‌بوست به سرعت آغاز بود.

عامل دومی که این آرامش نسبی را موجب می‌شد، این بود که دشمن انقلاب ایران هم با وجود دولت سازشکار لیبرال‌ها امیدوار بودند که انقلاب را "گام به گام" از سمت گیری ضد امریالیستی و مردمی‌اش منحرف سازند و آن را در جاده سازش و تسلیم بیدارند. اقدامات دولت "گام به گام" لیبرال‌ها برای بانوان ساخن و بی‌برگردن سبادهای انقلابی، برای صاف کردن جاده بازگشت مسامت سلطه‌آمیز امریالیست‌ها و در درجه اول امریالیسم آمریکا، توطئه لیبرال‌ها در میدان دادن به سازمان‌ها و مطبوعات ضد انقلابی مانند "حزب جمهوری خلق مسلمان"، "روزنامه‌های طاغوتی و آمریکایی "تهران مصور"، "آیدگان"، "بامداد"، "امید ایران" و نظائر آن‌ها و گروهک‌های رنگارنگ سباحت‌ها، دسال کردن سیاست تحرک و ایجاد دشمنی میان ایران و کشورهای و جبهه‌های ضد امریالیستی بویه کشورهای سوسیالیستی، کشورهای عربی جبهه، بیداری و حسن آزادی بخش فلسطین همه و همه امریالیسم آمریکا، دشمن شماره یک انقلاب ایران را امیدوار می‌ساختند که بدون دست‌بازیدن به اقدامات توطئه‌آمیز با کمک "دوسانی" ماسد امریالیسم و نژید و مقدم مراغه‌ای و مدنی و علوی و نظائر آن‌ها در جاسوس‌ترین سب‌های دولتی به آماج‌های خویش درجهت منخ کردن انقلاب ایران بریدک شود.

تدارک توطئه‌ها

ولی در عین این اطمینان، که مسلط با تدارک و انجام دیدار هیئت نمایندگی دولت "گام به گام" با برزیسکی در الجزیره به اوج خود رسید، امریالیسم آمریکا سادارک تقه‌سازسی خود را برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی و یا دقیق‌تر بگوئیم برانداختن رهبری امام خمینی و هواداران و پشتیبانان خط انقلابی‌اش حتی برای یک لحظه هم تعطیل نکرده بود. تصادفی نیست که در ۱۵ مرداد ۱۳۵۸ یعنی همان زمانی که بولدوزهای دولت گام به گام، تمام کاره‌ها جاده را برای سانس صاف می‌کردند، امریالیسم آمریکا نقشه دیگر خود را با نام نیرو تدارک می‌دید. ما به کمک آن در نقطه ماسد با نسل به توطئه‌های مسلحانه "رژیم خمینی" را براندازد. یادداشت برزیسکی، همان آتش افروزی که در ماه بعد با رئیس و وزیر خارجه و وزیر دفاع دولت موقت در الجزیره به خوس و بن‌نشستند و امروز هم مردم ایران از گفتگوی آنان مطلع گردیده‌اند، به وزیر خارجه آمریکا آن قدر گویا و آن قدر روشن کننده است که اگر انقلابیون ایران هر روز صبح بنگار هم آن را مرور کنند باز هم کم است. در این یادداشت تمام نقشه آمریکا برای "سال دوم انقلاب" یعنی هماه که در آغاز به وسیله گردانندگان دولت موقت و س آن به وسیله سایر عناصر سازشکار و تسلیم طلب متقابل به آمریکا "گام به گام" به موقع اجرا گذاشته شد، با دقت کم نظیری ترسیم شده است. یادآوری این یادداشت از آن جهت اهمیت دارد که سیر حوادث در سال دوم انقلاب روشن می‌سازد. در این یادداشت، برزیسکی دسورات رئیس جمهور آمریکا را به وزارت خارجه آن کشور این طور ابلاغ می‌ساید:

"به موجب این یادداشت شما مجاز هستید اقداماتی را که در حیظه استیستگی مسئولیت وزارت امور خارجه است به عمل آورید. در مورد اقداماتی که برای نمودن در سیر تحولات ایران منخس شده‌اند، رئیس جمهور معتقد است که اقدامات مورد نظر می‌بایستی با هماهنگی وزارت دفاع و سیا و همچنین سایر ادارات و موسسات هر کجا که لازم باشد و بانوجه به نظرانی که ساه ایران در مسورت‌های اخیر س داده‌است صورت بپذیرد. رئیس جمهور همچنین خاطرنشان ساخته است که لازم است جو سواظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد مورد بهره‌برداری قرار داد. رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصا توسط اتحاد جماهیر شوروی حتما به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد. رئیس جمهور همچنین تاکید کرد که با توجه به قابل پیش بینی نبودن حوادث و تحولات آینده در ایران الزاما مهم است که آمریکا باتمامی رهبران سازمان‌ها و گرایشات سیاسی بدون استثناء، منجمله اقلیت‌های نژادی و یا مذهبی و گروه‌های افراطی که قادرند مقاومت‌های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماس‌هایی برقرار کنند. اما به‌رحال باید نظر گرفتن طبیعت بسیار ظرفیت این نوع عملیات، رئیس جمهور با برقراری هرگونه تماس با رهبران مذهبی و یا سیاسی و یا باند خمینی و یا عناصر مخالف و ترماندهان عالی‌رتبه در ایران بدون مسورت قبلی با رئیس سیا مخالف است..."

در این سند جنایت‌آمیز تاریخی "که تقریبا ۳ ماه پیش از کرفتن جاسوخانه آمریکا، مرکز تدارک این نقشه‌های هولناک از سوی دانشجویان بی‌روح امام تدوین شده است، با دقت کم نظیری همه آنچه که در سال دوم انقلاب از طرف امریالیست‌های آمریکا، ضد انقلاب داخلی و عناصر وابسته و یا تسلیم طلب متقابل به آمریکا در مقامات حاکمه ایران انجام گرفته و ما امروز می‌توانیم تاریخ دقیق و ماهیت آن را بنویسیم، ترسیم شده است. همین سندنشان می‌دهد که تمام ادعاهای امریالیسم آمریکا و امریالیست‌های اروپا و ژاپن و حکومت‌های مرتجع جهان و سازشکاران و تسلیم طلبان در این باره که گویا "گروگان‌گیری" موجب تشدید دشمنی آمریکا با انقلاب ایران شده است، بی‌باید است. باتمام قاطعیت و برابیه همین سندناریخی می‌توان گفت که حداکثر تا سیر گروگان‌گیری در این زمینه این بود که بسرعت سیر رویدادها تا حدی بیفراید، توطئه‌های خطرناک دشمنان انقلاب را فاش سازد و آنان را مجبور کند تا از بست برده به جلو صحنه "تمایش" بیایند.

با همین قاطعیت می‌توان ادعا کرد که اگر جریان "گروگان‌گیری" هم نبود، ما با همین گونه توطئه‌های امریالیسم و ضد انقلاب منتتها به بهانه‌های دیگر روبرو می‌شدیم. موضع گیری امریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی امریالیسم هار و جنایت بیسه آمریکا علیه انقلاب ایران نتیجه کاملاً منطقی صربه دردناکی است که پیروزی انقلاب شکوهمند ضد امریالیستی و مردمی ایران به رهبری قاطع و تزلزل‌ناپذیر امام خمینی بر پایه‌های تسلط غارتگرانه و جارانه این دشمنان بشریت در یکی از حساس‌ترین و شاید حساس‌ترین منطقه استراتژیک و اقتصادی و نظامی برای آنان وارد کرده است.

این جبهه جهانی امریالیستی- صهیونیستی- ارتجاعی تنها یک هدف دارد و برای رسیدن به این هدف حتی یک لحظه هم مکث نخواهد کرد و از هیچ جنایتی روگردان نخواهد بود و آن درهم شکستن انقلاب ایران است. هرکس در این تردید کند اولین گام را در راه تسلیم به امریالیسم برداشته است.

تأثیر دو رویداد مهم ماههای پایانی سال اول انقلاب در روند رویدادهای سال دوم

برای آن که رویدادهای سال دوم انقلاب را خوب بفهمیم، لازم است به دور رویداد مهم ماه‌های پایان سال اول، یکی در ایران و دومی در کشور همسایه ما افغانستان، و اثرات اجتماعی آن‌ها، نوجه کنیم. مهم‌ترین رویداد سیاسی میهن ما در ماه‌های پایانی سال اول انقلاب رویداد اول...

برکاری سنی دولت گام به گام سازشکاران و تسلیم طلبان به دنبال دیدار هیئت ماسدگی این دولت با برزیسکی و اقدام جسورانه و انقلابی دانشجویان مسلمان بی‌روح امام در کرمس مرکز توطئه آمریکا در ایران و دست‌یافتن به یک رشته اسناد سناز سبم اسنازگانه است. آریاسی امام خمینی در این رسیده که با اقدام جسورانه دانشجویان مبارز، انقلابی به مراتب رزیر از انقلاب ۲۲ سپس بایه گذاری شد، یک ارزیابی کاملاً دمی و واقع‌سبانه است. ما این اقدام جسورانه، انقلاب ایران ستنها درست‌گیری صدامریالیستی‌اش، بلکه هم‌چنین درست‌گیری مردمی‌اش یعنی در جهت انجام دگرگونی‌های بنیادی به سود کوخ‌نشینان، بسود محرومان جامعه، به سود رحمتکسان شهر و روستا، جدی تر گردید. با این اقدام جسورانه ماسک ریا از جبهه سازشکاران و تسلیم طلبان لیبرال، از روی بسیاری از عوامل امریالیسم و ضد انقلاب که با ماسک "اسلامی" در مقامات حاکمه جمهوری اسلامی راه یافته بودند، برداشته شد. با این اقدام و نتایج آن جبهه کرپه جایب سبسه امریالیسم آمریکا و همدستی‌اش با ناه مخلصوع و سرسردگانش از زیر ماسک‌های برسسم کارتیر و برزیسکی که خود را به کمک دولت "گام به گام"، یواس یواس به عنوان "دوسان سفیق" انقلاب ایران جامی‌رند، برداشته شد. سازشکارترین مرتجع‌ترین و وابسته‌ترین عناصر دولت گام به گام مانند ابراهیم بردی وزیر خارجه، ایردی وزیر کشاورزی، و امریالیسم قانون نخسوزیر از کاربرگار شدند و با این سرکاری بخشی از سب‌های ارجاعی ایجاد شده به وسیله دولت "گام به گام" لیبرال در مقابل حرکت انقلاب به سوی آماج‌های صدامریالیستی و مردمی‌اش برداشته شد. درست است که گردانندگان دولت لیبرال موقت با باقی ماندن در شورای انقلاب و با در دست داسس بسیاری از وزارتخانه‌ها ساست گذسه ترمزکننده خود را ادامه دادند، ولی در حال یک عمیرکمی آغاز گردید که نتایج آن تا امروز ادامه دارد.

و اما رویداد دوم که بدون تردید سیر حوادث را در سال دوم انقلاب ایران تحت سبیر حدی قرارداد، در کشور همسایه میهن ما، افغانستان به وقوع پیوست.

بررسی دقیق رویدادهای افغانستان سان می‌دهد که سن از انقلاب صدامریالیستی و مردمی در اردیبهشت ۱۳۵۷ در افغانستان که صربه، در سادگی برای امریالیسم و ارتجاع منطقه بود، امریالیسم و ارتجاع جهانی با همکار رهبری خائن حسین و رژیم آریامه‌ری ایران، غشسه‌هایی ظیهرمان غشسه‌هایی که در کشور ما به موقع اجرا در آوردند، طرح کردند و عملی ساحتند: جبهیر و سلیح همه، عناصر وابسته و تسلیم طلب و فاسد افغانی برای براندازی رژیم انقلابی این کشور، ظیهرمان‌هایی که در میهن ما علیه جمهوری اسلامی ایران فعالانه در میدان نبرد هستند، یعنی نجبهیر ضد انقلاب سلطسی اوپسی‌ها و ارهارهای و ختیارها و "خلق مسلمان"‌ها، سرمایه‌داران و ملاکان متودال هوادار "اسلام آمریکایی" و مائوئیست‌ها و مارکسیست‌های (!) آمریکایی و همه ماجراجویان و قاجاجیان و هروئین‌فروشان و اوباش در ده‌ها و ده‌ها گروه و گروهک که همه یک مارک "اسلامی" هم به سیاسی خود زده‌اند.

این جریان‌ها مدتها پیش از انقلاب ایران آغاز گردیده بود. ولی سن از پیروزی انقلاب ایران، امریالیسم جهانی، حسین مائوئیستی و باکسان صباءالجمعی توانستند سبسا سوا استفاده از عامل نیرومند اسلامی در انقلاب ایران، ووش "اسلامی" را برای همه توطئه‌های خود در افغانستان ماهرانه به کار بندند و با این حله بخشی از مردم ساده مسلمان را هم در این دام توطئه خود بکشانند، همان‌طور که گردانندگان ضد انقلابی جریان "جمهوری خلق مسلمان" بویه در آذربایجان، موق شدند بخشی از محرومان جامعه را برینود خود سبایورند و با دست‌های ساک آنان بازی کثیف و خون‌ریز خود را راه بندازند. امریالیسم و ارتجاع از این شگردها فراوان دارد.

موفقت مهم امریالیست‌ها در افغانستان این بود که در آنجا توانستند با بهره‌گیری از کم‌تجربگی نیروهای انقلابی مصری از سطر امریالیسم و ساداب و صدام را تا بالاسین تمام دولتی و حزبی به پیش برانند و با تلفیق اقدامات خرنکارانه و تحریک‌آمیز او با اقدامات ضد انقلابیون که از سوی باکستان نجبهیر و مسلح شده و به افغانستان فرساده می‌شدند، موجودیت انقلاب را دچار خطر جدی سبایند. اگر دولت سوروی دعوت انقلابیون راسسین ضد امریالیست و مردمی افغانستان را نمی‌پذیرفت و به کمک آنان برای سبهداری دسارردهای انقلاب ۵۷ نمی‌رفت مسلما امروز ما در افغانستان با حکومتی ظیهر حکومت شیلی و مصر، اردن و یاعطن و باکستان روبرو بودیم به با حکومت صدامریالیستی و خلفی کنوسی.

کک نظامی اتحاد شوروی به دولت افغانستان صربه هولناکی برای دسائن و توطئه‌های امریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان بود- تاریخ این حکم را بدون تردید با خطوط درشت سبت خواهد کرد. عکس العمل امریالیست‌ها در سراسر جهان سست به این رویداد بهترین دلیل برای عظمت شکستی است که این رویداد بر آن‌ها وارد ساخته است.

بررسی ساهب سب ظیهرمان عکس العمل‌های محافل امریالیستی و ارتجاعی منطقه‌نسب به انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران و انقلاب افغانستان و جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان به بهرس وحشی این وامعیر را تأکید می‌کند که رژیم‌های این دو جمهوری، هم در صحنه سرد جهانی علیه امریالیسم و ارتجاع و هم در صحنه نبرد داخلی علیه غارتگران خودی یعنی بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران به سود محرومان جامعه یعنی کوخ‌نشینان و رحمتکسان شهر و روستا دقیقاً در یک حله فرارگشده‌اند.

ولی باوجود این با کمال ساف، امریالیسم و ارتجاع موقف شدند که با دسبباری همدستان و سازشکاران این وامعیر را در میهن انقلابی ما به صورتی کاملاً تحریف شده جلوه دهند.

آغاز سال دوم انقلاب

با این مقدمات سال دوم انقلاب ایران در شرایط بسیار سببیده‌ای آغاز گردید. از یکسو مبارزه انقلابی درست‌گیری ضد امریالیستی و مردمی‌اش زرف‌تر می‌شد بویه مبارزه ضد امریکایی هر روز اوج و دامنه سبببتری سبببمی‌کرد و از سوی دیگر سبببده کسندگان خط برزیسکی در همه لب‌سببها و جبهه‌ها و نقاب‌ها، هم در لب‌سبب ضد انقلاب و هم در کسوت غرب‌زدگان تسلیم طلب، هم در سببب لیبرال‌های سازشکار و هم در ماسک جنبه‌نظمی مائوئیست‌ها و "رنجران" و سایر گروهک‌های سیا ساخته و هم در ردای روحانی‌نماها و وعاط السلاطین همه ما هم می‌کوشیدند، امریکای جنایتکارو ضد انقلاب را از زیر صربه اصلی انقلاب خارج کرده، مردم را از سمت‌گیری اساسی انقلاب منحرف ساخته و متوجه خطر موهوم "کمونیسم"، "تجاوز سوروی" و "اسلام در خطراس" خطایند.

با کمال تاسف بخش مهمی از نیروهای انقلابی اسلامی در ایران طی مدت طولانی، رویدادهای افغانستان را نه در خارج جوب بفرخ نبرد انقلاب با ضد انقلاب و امریالیسم و ارتجاع، بلکه به طور یکجانبه در چهار جوب مبارزه "مسلمانان" با حکومت مارکسیستی ارزیابی کرد و با این ارزیابی، ناخواسته امکانات وسیعی به دست سبببده‌کنندگان خط برزیسکی داد.

تحول انقلاب ایران در سال دوم زندگی مراحل به کلی گوناگونی را طی کرده است که بررسی درست این مراحل ما را برای ادامه نبرد در سال سوم بهتر مجهز خواهد ساخت.

مرحله اول: نبرد با توطئه آمریکا و امریکازدگان برای منصرف ساختن انقلاب

بس از شکست توطئه اول امریالیسم برای منحرف ساختن انقلاب ایران با کمک دولت موقت، ایالات متحده سیاست آسکار ایجاد سنجات اجتماعی در داخل و اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی به صورت محاصره اقتصادی و نظامی از خارج را برای براندازی جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت. گروه‌های ضد انقلاب و لیبرال دست به کار شدند. این توطئه دوم که قله‌اش تظاهرات تحریک شده به وسیله گردانندگان امریکازده حزب جمهوری خلق مسلمان بود و در سببب دی‌ماه در تبریز به اوج خود رسید، در برابر سببباری رهبری انقلاب و آمادگی نیروهای انقلابی درهم شکسته شد.

رویداد افغانستان موجب شد که آمریکا موقتا تاکتیک‌های دیگری را آزمایش کند. سببا استفاده از این رویداد امریالیسم آمریکا و دست‌یازتنس به نقشه جهانی را طرح و به موقع اجرا گذاشتند. اول نقشه تدارک همه‌جانبه تجاوز نظامی و کودتا همان‌طور که در جریان طیس و نوزه عملی گردید؛ دوم نقشه متمرکز نیروهای عظیم نظامی در منطقه و تبدیل منطقه خلیج فارس، از مصر و سواالی گرفته تا باکستان، به مستحکم‌ترین دز امریالیستی به منظور رویارویی با هرگونه گشترش انقلاب ایران و تدارک سرکوب نظامی این انقلاب و سوم نقشه‌ای با ماسک بره بی‌گناه برای گمراه کردن انقلابیون ایران و منحرف ساختن سمت‌گیری اساسی...



انقلاب

برای موفقت نقشه سوم امریالیست‌ها در رسیدن اساحت آقای سببب این اسخبات در مقامات بالائی حاکم آمریکا میدان می‌داد. آمریکا امیدوار توانست این سکاف را هر روز عمیق‌تر بویه این که سحدین بالقوه‌اس سببب دولت موقت مقامات سبببراحی را د به مراتب وسیع‌تری برای اعمال سببب سمت‌گیری صدامریالیستی و مردمی انقلاب جریان فعالیت‌های سیاسی اولس دقیقاً در همین سبببفرار می‌گردد. اریا و اقدام انقلابی آنان سازمان داده شد آمریکا بر اساس همان فرارو مدارهای گردید، بندوبست‌هایی سبببانه سبببب ضد امریالیستی - یعنی:

خصوصیت با جنبه‌های اصل رها؛ خصوصیت با کشورهای صدامریا

صهیونیستی،

خصوصیت با کشورهای سوسیالیست

از سوی دیگر وزن عمده سیاست

رژیم‌های آمریکازده منطقه ماسد جریا

توطئه علیه افغانستان گردید.

امریالیسم آمریکا تقریبا به طور

موقف خواهد شد با کمک دوسانی ما؛

موضوع گروگان‌ها را "نجاسی" یعنی نه

ایران علیه محمدرضای فراری نخواه

صد امریکایی انقلاب ایران را در سببب

حادثه نظیر سببباده که یکی از گرد

سیاست خارجی ایران را در جهت دو-

و کشورهای اروپای غربی یعنی شرکت

جبهه صدامریالیستی جهانی و سببب

در این دوران در سببب کرده میان د

به ریان انقلاب ایران سبببده است،

حاشا سببب هم‌اکنون سببب روشن است.

این توطئه آمریکا و ضد انقلاب

کرمس گروگان‌ها از دانشجویان پیرو

و سکر انقلاب ایران به رهبری امام

یعنی هسائی که توطئه‌گران همه‌حیر

با رهسود درباره آن‌که "کمیسون

سببب به ایران سببب سار و بعدا

کرد. این رهسود روس ساخت که

سرو سببب گروگان‌ها در برابر هم

های بودند که در دام این سکر د

دیگری به خود گرفت.

آمریکا با دساحتی مجبور سببب

آن خببببب باری را که سببب داد،

آخرین برده این سبببب هم

و به احتمال زیاد حتی اسببب بازیگر

صاوسوی ترکیب و روسای سبببب باره

ادامه پیشرفت دو سمتگیری

یکی از ویژگی‌های عمده

سمت‌گیری علیه غارتگری غارتگران

درواقع این نبرد بین دو

کنه سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و

به سود محرومان جامعه از همان فراد؛

در دوران دولت لیبرال مو

میدان وسیعی برای گشترش پیدا

قانون اساسی در مجلس خبرگان بو

جلوگیری از گنجاندن بوادی در

سرمایه‌داری باشد، مجلس خبرگا

مورد ریشه‌کن ساختن استعمار فرا

تاسیل وسائل کار برای زحمتکشان

اجتماعی تصویب کرد.

بس از برکاری دولت موقت

انقلاب و هیئت وزیران انتظامی

این کسکتس و پیشرفت محدود

دوران را تصویب قانون اصلاحات

که با عکس العمل شدید بزرگ مال

روبرو گردید و از همان وقت صه

انداخته شد.

با تصویب این قانون اگرچ

جهت دگرگونی بنیادی نظام جا

شد، گامی که نشان‌دهنده جدت

مرحله دوم: دوران تهاج

پس از آن‌که شکست توطئه

انقلاب ایران با شکست مفتضحا

براندازی جمهوری اسلامی شد که

بین اشغال جاسوخانه و رویدا

نورالدین کیانوری

شکست‌های پیاپی

توطئه‌های پیاپی

و ضد انقلاب

تا امدادهای ریادی در سر می‌بروراند. به ریاست جمهوری و برخورد هائی که در جریان جمهوری اسلامی تشدید شده بود، به این امید که با کمک دوسان مورد اعتماد خود خواهد از آن به سود هدف‌های خویش بهره‌گیری کند. ما، مائوئیست‌ها و شبه مائوئیست‌ها که در زمان سکا-دولتی اشغال کرده بودند، اکنون امکانات راه و تسلیم طلبانه خود در جهت منحرف ساختن کرده بودند.

سال دوم انقلاب یعنی اسفند و آغاز فروردین نطفه وسیعی به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با دیگر بدویست‌های پشت برده برای ساری با لجریره با بررسکی گذارده شده بود. آغاز سر خصوص و دسمی با جبهه جهانی نیروهای

قبل از همه جنبش فلسطین، بویژه کشورهای عربی جبهه بایاداری ضد-

اول اتحاد شوروی، ویت نام و کوبا. بران سوچه همکاری با امپریالیسم آمریکا و همه سان سعودی، پاکستان، عمان و مطاثر آنان در

وار شده بود که با بهره‌گیری از رویداد افغانستان رجه ایران و یاران لبرالیستی در سوراى انقلاب عده حاکم و حالی که "مخالفتی" را سبکد حل کند و با ماسک بره، بی‌گناه سم‌گیری می‌آسکار با سواری برگرداند.

حربان بود تا آنجا سینی رفت که رسامو بی‌روا با پاکستان صیالحق، جیس آمریکا زده، ترکیه با امپریالیستی ناتو، و دسمی آشکارا با مجموعه سو ق داد. بدون تردید آینده از آنجه که بران و عسرده ایران با امپریالیسم آمریکا داس. گرچه خطوط کلی این سازس و تسلیم

گمسون حقیق سازمان ملل متحد و تحویل امج آن بود. بران بیداری نیروهای راستین آب گردید. امام خمینی در حسانترین لحظه رسایدن عقبه خویش آماده کرده بودند، اسدا گزارش خود را درباره جنایات آمریکا لفاق کند، اسب نقشه سیطانی را نقش بر آب مان ملل حیزی جریک سگرد آمریکا برای داران ایرانی توطئه هم حدافل بارخورده بین تاریخ اوضاع سیاسی ایران به سرعت شکل

ی را راناما به مصر فرار دهد و با این عمل

د. عجز امیز کارتر به امام با نوصیه و کمک ن توطئه دارک دیده شده بود، مانند حیات تدارک بینندگان آن باقی گذاشت.

تلاش

مهمین ما گسترش آن در جهت مردمی، یعنی سرمایه است. ن لبرالی در جهت نگاهداری کامل نظام هت محدود کردن غارت این طبقات غارتگر غاز شده بود.

و از گرایش اول پیروی می‌کرد، این مبارزه ترین میدان‌های این مبارزه جریان تصویب علیرغم تمام تلاش‌های دولت موقت برای ایر تأیید بی‌چون و چرای نظام غارتگر ست مرم محرومان جامعه بود جالبی در صنایع سنگین و بزرگ و تجارت خارجی، برای دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و تأمین

و گرایش جناح‌های حاکمیت به درون شورای ردید. ماه‌های اول سال دوم سان شدند بی انقلاب است. بارزترین رویداد این ندهامه ۵۸ در شورای انقلاب باید دانست ثابت حامی بزرگ مالکی و سرمایه داری بن آغاز شد و اجرای آن ماه‌ها به تعویق

بی در آن داده شد، اولین کام موثر در کی و کلان سرمایه‌داری در روستا برداشته از راه لبرال‌ها است.

بسم و ضد انقلاب

بی خواب کردن" و "گول زدن" رهبری یکا دست به کار پیاده کردن نقشه‌گذاری بینسکی اراه گردیده و یک بار در فاصله اجرا گذاشته شده بود (توطئه خلق

سلمانی‌ها). این نقشه شامل ۵ جزء بود:

نخست - حل‌گیری همه‌جانبه از تشبیت جمهوری اسلامی ایران از راه تشدید اختلافات میان جناح‌های گوناگون حاکمیت و نیروهای سیاسی، از راه نقویت جناحی که متمایل به غرب است در مقابل جناح رادیکال پیرو خط امام خمینی و در آخرین مرحله ضعیف‌مقام رهبری امام خمینی در جنبش انقلابی.

دوم - ایجاد فشارهای همه‌جانبه اقتصادی برای درهم سکسن مقاومت دولت جمهوری اسلامی و نغزاندن آن.

سوم - سرگردن هرچه بیشتر مسایات ایران با اتحاد شوروی و از این راه با همه کشورهای و جیس‌های راستین ضد امپریالیستی.

چهارم - سازمان دادن نیروهای عظیم نظامی در منطقه و ایجاد ساکاه‌های تجاور در مجاورت برای وارد آوردن "ضربه شکنده" در لحظه مناسب.

پنجم - تمرکز هرچه بیشتر نیروهای عظیم نظامی در منطقه و ایجاد ساکاه‌های تجاور در مجاورت ایران به منظور جلوگیری از سرایت انقلاب ایران به سایر کشورهای آمریکا زده منطقه و در "لحظه مناسب" برای تجاور مستقیم به جمهوری اسلامی ایران.

تمامی ساست امپریالیسم جهانی، صهیونیسم، ارتجاع منطقه، ضدانقلاب ایران به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در ده ماه گذشته دورادور این نقشه جایز بار می‌گشسه است.

همه رویدادهای سیاسی ده‌ماه گذشته، در چهارچوب تلاش دشمنان انقلاب ایران برای پیاده کردن این نقشه از بسکو و کوسس براسخار و بیابان نیروهای انقلابی ایران برای غیرممکن ساختن کامیابی این نقشه ارسوی دگر فرارداشته است.

تبدیل توطئه طیس - اولین توطئه دامنه‌دار کودتائی

با کمال تأسف حدود اس توطئه عظیم برای براندازی نظام انقلابی در ایران که هسته مرکزی آن را در دبدین سلطانه حاسوسان آمریکائی سکیل می‌داد، تاکنون به اندازه کافی برای مردم روس سده است. تا آنجا که ما اطلاع یافته‌ایم و از لابلای بعضی اقراهای کودتاجان مرحله دوم دیده می‌شود، واقعیت این است که این توطئه به مراتب از چهارچوب نزدیدن سلطانه حاسوسان آمریکائی وسیع تر بوده و هدفش همان طور که نقشه کودتای دوم بوزه سان داد، سرکوب سلطانه نیروهای انقلابی به مقیاس وسیع در سهرای عمده ایران و براندازی حاکمیت جمهوری اسلامی و استقرار حکومت بخیار و اویسی بوده است.

واقعیت این است که از همه‌ها پیش از واقعه طیس گروه‌های ضدانقلابی در صم‌ترین شهرهای ایران آماده می‌شدند تا در ارتباط با دستبرد نظامی آمریکا حطه وسیعی را نسجون وار به تمام مراکز نیروهای مسلح انقلابی وارد سازند. به این ترتیب که با استفاده از گازهای سمیایی خواب‌کننده نیروهای پاسدار و نامطمئن نظامی را علاج کرده قتل عام کنند و با کمک نیروهای مسلح سازمان جود، امام خمینی و طیف گسترده‌ای از مسئولین کشور و مسئولین سازمان‌های سیاسی هوادار راستین انقلاب را جابجا به قتل برسانند و مراکز رادیو و تلویزیون را اشغال کرده و تشکیل دولت ضدانقلاب بخیار-اویسی را اعلام دارند. واقعیت این است که حتی سبیه اعلام این دولت هم آماده برای قرائت بوده است.

این توطئه با شکست روبرو شد. تعجب آور این است که پس از یک چنین توطئه عظیم براندازی از طرف امپریالیست‌های آمریکائی و دستیاران مصری، عربستانی، عمانی و پاکستانی آن‌ها، حثه دست‌های مخصوصی در مقامات حاکمه ایران با تمام نیرو کوشیدند نه تنها این توطئه را کوچکتر از آنچه بود جلوه دهند، بلکه با سوسل به هزارن برگ و سگرد، آمریکا و یارانش را از زیر ضربه نعت روزافزون مردم انقلابی ایران خارج سازند.

بمورد نیست اگر در این ارتباط به یکی از این سگردها، یعنی کنفرانس دوم اسلام آباد در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ که درست ۳ هفته پس از توطئه طیس تشکیل شد، اشاره کنیم و یک بار دیگر سدرجات مطبوعات و گفتارهای رادیو تلویزیونی آن روز ایران را که تقریباً یک‌سارحه در دست لبرال‌ها بود مرور سائیم.

در همان روزهای که بزرگ‌ترین توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی خسی شد و سیاست آمریکا و هم‌دستانش در جهان با بی‌آبروئی بی‌نظیری دست به کریبان بود، حام تلاش صادق قطب‌زاده در راس سیاست خارجی ایران و نام کوشش ارگان‌های تبلیغاتی و سیاسی ایران در این جهت بود که برای گروهک‌های آمریکا ساخته افغانی وجهه "انقلابی و میهن پرستانه و اسلامی" درست کند و توطئه آمریکا و پاکستان و حیس را علیه انقلاب افغانستان تیره‌کنامید و به این ترتیب برای امپریالیسم آمریکا وجهه "دروغین" دفاع از اسلام" بوجود آورد.

حالا که جبهه آمریکازده وسادات زده این به اصطلاح "رهبران" افغانی روشن شده است، زشتی آن خیمه‌شب بازی‌های قطب‌زاده‌ای شرکت دادن این مزدوران امپریالیسم آمریکا به نام نمایندگی ایران، خیمه‌شب بازی کنفرانس تهران و کنفرانس زنو با پول مردم ایران بهتر عیان می‌شود و ارتباط‌های پشت برده میان این خیمه‌شب‌بازی‌ها و فحاشی‌های اوباشانه به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، به حزب توده، ایران و تحریکات صدشوروی و تدارک نامه کارتر به امام خمینی و... مباحسه کذائی تلویزیونی بیست‌به‌جشم می‌خورد.

حالا دیگر به روشنی می‌توان دید که چگونه توطئه‌های کودتائی امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، خرابکاری‌های نیروهای ضدانقلابی و ماجراجو، حملات بورژوازی لبرال برای براندازی حاکمیت کونی پیرو خط امام خمینی و تبدیل مسئله افغانستان به مهم‌ترین مسئله منحرف‌کننده انقلاب ایران همه و همه از یک سرچشمه آب می‌خورند و سر در یک آخور دارند.

کودتای ۱۸ تیر، تسادوم سیاست آمریکا نسبت به انقلاب ایران

پس از شکست توطئه کودتائی طیس همیشه انتظار یک کودتای مجدد آمریکائی-ضدانقلابی می‌رفت، زیرا از یک سو نیروهای "ایرانی" شرکت‌کننده در تدارک این توطئه تقریباً دست‌نخورده باقی مانده بودند و از سوی دیگر با خاتم انتخابات و تشکیل مجلس شورای اسلامی با اکثریت قاطع ضد امپریالیستی در ۷ تیرماه، برای منحرف ساختن سیاسی انقلاب ایران از راه دوباره به قدرت رساندن لبرال‌ها دگر ساس کتری وجود داشت. مسلماً تجاور نظامی آمریکائی-صدامی عراق به ایران مانع از این شد که چهارچوب واقعی توطئه کودتای ۱۸ تیر همه شرکت‌کنندگان و یاری دهندگان و باخبران آن در معرض افکار عمومی قرارگیرد. امیداست پس از پایان جنگ، همه آن اطلاعاتی که در جریان محاکمه و پیگیری کودتاجان به دست آمده در اختیار افکار عمومی گذاشته شود. از همان بقدار محدودی اطلاعات که رسماً انتشار یافته به روشنی می‌توان دید که هدف اصلی این کودتا براندازی حاکمیت کونی پیرو خط امام خمینی حتی به بهای کشتار تا ده میلیون نفر از مبارزان انقلابی ایران بوده. کاملاً مفهوم است که اولین آماج این نقشه، نابودی رهبران انقلاب و نزدیک‌ترین و بیگترین هوادارانش در مقامات حاکمیت و مسئولین و فعالین سازمان‌های انقلابی بوده است. تعجب آور نیست که نام کلیه مسئولین حزب توده ایران و فعالین آن در شهرستان‌ها در اولین صفحات لیست کسانی که در ضربه اول بایستی نابود شوند، فرارداشته است.

توطئه کودتائی ۱۸ تیر برخلاف توطئه طیس که کاملاً غافلگیرانه بود، برانیز بیداری و هساری نیروهای انقلابی راستین در منطقه بخشه شد. ولی با کمال تأسف بازهم ضدانقلاب سازمان یافته در تمام ابعادش ریشمکن نگردید و بخش‌های قابل توجهی از آن دست‌نخورده باقی ماند. همان بخش‌هایی که امروز ما شاهد تجدید فعالیت همه‌جانبه‌سان هستیم.

تجاور نظامی آمریکائی-صدامی، ششمین حلقه درز نجیر توطئه‌های امپریالیستی

کودتای آمریکائی نوزه با شکست روبرو شد و با این شکست ضربه محکمی به ضدانقلاب سازمان یافته درون کشور وارد آمد. توطئه منحرف‌ساختن انقلاب ایران از سمت گیری ضد امپریالیسم به وسیله لبرال‌ها نیز ناکام ماند.

علیرغم همه تلاش‌های لبرال‌ها و مائوئیست‌ها و سایر گروه‌های "جبهه براندازی"، دولت جمهوری اسلامی خارج از چهارچوبی که لبرال‌ها و مائوئیست‌ها خواستارن بودند، تشکیل اراه گردید. امیدهای امپریالیسم به کامیابی در انجام نقشه‌هایش تنها با تکیه به نیروهای ضدانقلاب سازمان یافته و دوستان لبرال و گروهک‌های ماجراجو و آمریکا ساخته مبدل به یاس

گردید. در این شرایط آمریکا نقشه‌ای که از مدت‌ها قبل تدارکس را دیده بود، یعنی تجربه ایران و ایجاد یک "کره جوسی" و یا یک "ویتنام جوسی" را به مرحله اجرا درآورد.

نقشه روس بود و در این زمینه اطلاعات دقیق در دست است. قرار بود با بهره‌گیری از جوسدید اختلافات در مقامات حاکمیت جمهوری اسلامی که به وسیله لبرال‌ها و ستون سجم امپریالیسم باندد بی‌سابقه‌ای دام‌ن‌زده می‌شد، با بهره‌گیری از ناسامانی‌های سدا شده در ارتس(س از درهم شکسته سدن کودتای ۱۸ تیر)، به امید این‌که نیروی ایسادی جمهوری اسلامی تحلیل رنه، حطه تدارک شده از طرف عراق به خورستان آغاز شود. سیش سینی می‌شد که این تجاور طرف همان دوسه روز اول می‌تواند با کمک گروه‌های از ضدانقلاب در درون کشور، حورسان را به تصرف درآورد، منابع نفی را دست نخورده از دست جمهوری اسلامی ایران خارج سازد و با وارد ساختن نیروهای سازمان یافته چند هزار نفری ضدانقلابیون و ساواکی‌ها و افسران فراری به رهبری بخیار، اویسی، ازهارای، فریدون جم، آریابا و همکاری نریه ومدنی و مقدم مراغه‌ای و سایر فراریان که در بغداد منتظرنسته بودند، به حورسان دولت ایران آزاد را بوجود آورند. قرار بود این دولت بلافاصله از سوی عراق، مصر، عربستان سعودی و پس از تشبیت اولیه از طرف آمریکا به رسمیت شناخته شود.

اقدامات شورشی در آذربایجان به رهبری ماند نریه و مقدم مراغه‌ای و گرداسدگان "خلق سلطان"، در کردستان بهره‌ری دارودسته قاسطو و کوله و شیخ عزالدین و سایر نیروهای ضد انقلابی کرد، در فارس به رهبری مدنی و گروهی از خود فروختگان عشایری، در بلوچستان به رهبری عمال سرسپرده رژیم آریامهری می‌بایست این نقشه تجاور را تکمیل نماید.

حان‌که دیده می‌شود نقشه در جزئیاتش با دقت "سنادی" مورد بررسی همه‌جانبه قرار گرفته بود و پیاده کنندگان این نقشه حتی از پیش درباره سیروزی بدون تردید نزدیک گرم‌ترین سادباش‌ها را به هم گفته بودند.

با کمال تأسف باید گفت که همدارهای مکرر حزب توده ایران که از گوشه و کنار از این نقشه جهمی اطلاع یافته و آن را، چه به طور مستقیم و چه به وسیله نامه "مردم"، در اختیار مقامات حساسی ملکنی قرار داده بود (آخرین و مایید مهم‌ترین آن تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ را دارد) از طرف این مقامات جدی گرفته نند.

تجاور آغاز گردید. و اگر ساییک عامل به حساب گذاشته نشده از طرف امپریالیسم و ارتجاع و ضدانقلاب، یعنی عامل ایستادگی حماسه‌آمیز و حیرت‌انگیز نیروها و مردم انقلابی جنوب و پیرو آن سراسر کشور برخورد نمی‌کرد، بدون تردید، فاجعه‌ای بسیار گسرنده انقلاب شکوهمند میهن ما را در معرض تهدید جدی قرار می‌داد.

در برابر این ایستادگی تاریخی، توطئه آمریکائی-صدامی در همان روزهای اول دچار شکست تعیین کننده گردید. برخلاف آنچه آمریکا و صدام انتظار داشتند، نیروی جمهوری اسلامی ازمه نیاشید، برخلاف تصور و وعده‌های بختیار و اویسی و یارانانش، در سراسر کشور سورن‌هایی بوجود نماند و اکنون که چندماه از این تجاور که قرار بود ۵ روزه به هدف‌های قطعی خودش برسد، می‌گذرد، اقی‌های کامیابی برای طرح کنندگان نقشه این توطئه، دورتر و دورتر می‌گردد.

توطئه شکست خورد، توطئه ادامه دارد

تصور این که توطئه تجاور عراق پایان یافته و یا توطئه جدیدی برای نجات آن از انبزام قطعی ترتیب داده نخواهند شد، به کلی اشتباه است. شکست قطعی تجاور آمریکائی-صدامی به ایران ضربه هولناک دیگری بر تسلط غارتگرانه امپریالیستی بر مهم‌ترین منطقه استراتژیکی جهانی برای امپریالیسم وارد خواهد ساخت و درست به همین جهت باید انتظار داشت که امپریالیسم همه نیروهای "ممکن" خود را برای جلوگیری و یا لاقل محدود کردن عواقب این شکست به کار اندازد.

ما در ایران شاهد فعالیت نیروهای ضدانقلاب و سازشکاران لبرال و گروهک‌های آمریکا ساخته، مائوئیست و شبه مائوئیست در دوجبهت هستیم. یکی در جهت ایجاد هر چه بیشتر تشنج و درهم ریختگی اجتماعی و اقتصادی و دیگری در زمینه اجرای رهنمود بزرگسبکی یعنی در جهت تیره کردن مسایات جمهوری اسلامی با نیروهای جبهه جهانی ضد امپریالیستی و در درجه اول با همسایه ایران، اتحاد شوروی. تصادفی نیست که درست در همان روزهای که همه خیرهای جهانی از این حکایت می‌کنند که امپریالیسم آمریکا حلقه محاصره نظامی خود را علیه ایران هر روز تنگتر می‌سازد و هر روز نیروهای تازه‌ای را به منطقه کسب می‌دارد و سخگو بیان رسی دولت آمریکا علنا از امکان تجاور نظامی و مین گذاری بنادر و جلوگیری از صدور نفت ایران صحبت می‌کنند و ضیا الحق به راه افتاده است تا همه حکومت‌های ارتجاعی منطقه را از ترکیه گرفته تا عمان برای این نقشه جهمی آماده سازد، درست در همین روزها در تهران توطئه حمله به سفارت شوروی به وسیله همین نیروهای آمریکا ساخته، یعنی "رنجبر" و "پیکار" و گروهک‌های آمریکا ساخته افغانی ترتیب داده می‌شود. باید کور بود تا رابطه مستقیم میان این رویدادها را ندید.

تصادفی نیست که درست هنگامی که رئیس جمهور هر روز و هر شب در جبهه شاهد زنده این توطئه آمریکائی است و در هر گفتار خود این ارزیابی را منعکس می‌سازد، در روزنامه "انقلاب اسلامی" متعلق به او، امید "نجات" جمهوری‌های آسیائی اتحاد شوروی به عنوان "مسئله" میوم "جمهوری اسلامی ایران و یالزوم "کک همه‌جانبه" برای براندازی حکومت انقلابی در کشور همسایه دیگر، یعنی افغانستان که پشتیبان انقلاب ایران است، مطرح می‌شود.

این پدیده‌ها را، باید به عنوان هذیان ناشی از بیماری تلقی کرد و یا جزئی از یک نقشه همه‌جانبه دیگر برای تدارک یک تجاور؟ شهادت این تبلیغات و جوسازی‌ها با آنچه که میدان سیاست میهن ما در روزهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد، در روزهای پیش از توطئه "خلق سلطان" در دی‌ماه ۵۸، پیش از توطئه تسلیم "گروگان‌ها" در اسفند ۵۸ و فروردین ۵۹، پیش از توطئه طیس، پیش از توطئه کودتای ۱۸ تیر و بالاخره پیش از توطئه تجاور عراق شاهدس بوده است، نه ما هشدار می‌دهد که بازهم توطئه تازه‌ای در سرف تشکیل است. و آن طور که تاریخ دوسال اخیر نشان داده، اعاد توطئه در حال تدارک به مراتب وسیع‌تر و زرفر از توطئه‌های پیشین خواهد بود.

امیداست که این بار مسئولین جمهوری اسلامی با احساس تمامی خطر از اتفادن به دام‌های رنگارنگ آمریکا ساخته بهره‌نمایند و برای روبروشدن با توطئه تازه، همه کوشش خود را در راه جبهیز همگانی نیروهای راستین پشتیبان انقلاب ایران، صرف‌نظر از نظرگاه‌ها و اعتقادات سیاسی‌دان، به کار اندازند.

این نکته بسیار با اهمیت را باید یادآوری کرد که ضدانقلاب در طی سال دوم انقلاب با مهارت توانسته است، هم از نواقص، اسنباهات، زیاده‌روی‌های نهادهای انقلابی و هم از خرابکاری عاصری که خود درون این نهادها جازده است و نیز از انحصار طلبی‌های محافظ راست‌گرای اسلامی بهره‌گیری کند و ناراضی‌های قابل مهم ناشی از این عوامل را در جهت تضعیف این نهادها به کاربرد و با کمک آن‌ها و... تمام کمبودها و دشواری‌ها و ناراضی‌های اجتناب‌ناپذیر تحولات اجتماعی و بویژه جنگ را به حساب دولت و نهادهای انقلابی بگذارد.

تنها با تصحیح جدی اسنباهات، زیاده‌روی‌ها، و پایان دادن به انحصار طلبی‌هایی که موجب ناراضی تشرهای وسیعی از مردم و بویژه کارگران و روشنفکران و جوانان که به طور طبیعی از هواداران پیگیر انقلاب هستند، می‌توان ضدانقلاب را از سرتیاری لبرال‌ها و از بهره‌گیری زایگان از این پدیده‌های ناسالم محروم ساخت. لیبازی و با فشاری روی اسنباهات تنها می‌تواند امکانات بازهم بیشتری برای دشمنان انقلاب ایران فراهم سازد.

پیامدهای توطئه ششم امپریالیسم

بدون شک این تجاور جنایت‌بار زیان‌های جبران‌ناپذیری به خلق‌های برادر ایران و عراق وارد ساخته است. ده‌ها هزار کشته در دوطرف، ده‌ها میلیارد دلار خسارت، بیش از یک میلیون نفر آواره جنگی در ایران، تعطیل بسیاری از موسسات صنعتی در ایران و عراق، ترازنامه این توطئه جنایت‌بار امپریالیسم آمریکا و ارتجاع تاکنون است.

ولی این تجاور در کنار این زیان‌های دردناک پیامدهای سودمندی هم داشته است. این تجاور در داخل و خارج کشور ما به روشن شدن حقایق و واقعیاتی کمک کرد که تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی در سراسر جهان و بلندگو یانسان در درون ایران با تمام نیرو سعی در تحریفشان داشتند.

بقیه در صفحه ۶

دومین سالگرد انقلاب شکوهمند...

بقیه از صفحه ۵

در جریان این تجاوز بیش از پیش روشن شد که این فقط غارت شوندهگان و محرومان جامعه هستند که با جان خود از انقلاب و از میهن دفاع می کنند و طبقات استثمارگر و غارتگر، در واقع سوداگران خون گرم زحمتکشانند. در جریان این نبرد مردم یکبار دیگر شاهد این حقیقت بودند و هستند که چگونه، بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران با بهره گیری از امکانات اقتصادی خود که محصول غارتگری های پیشین آن هاست، با توسل به احتکار، ایجاد کمبودهای مصنوعی، قیمت کالاها را از دسترنج توده های محروم را مانند رالو مکیده و می کنند.

در جریان همین تجاوز بود که بخشی از نیروهای متعهد که تصور نادرست در ساره سرمایه داران داشتند، به ماهیت زالوار این طبقه پی بردند و اکنون، چه در تبلیغات و چه در عمل، گوشه هایی را برای محدود کردن این غارتگری آغاز کرده اند. این واقعیت را، بدون تردید، می توان به عنوان یکی از پیامدهای مثبت تجاوز عراق به حساب آورد، که نتایجش تعمیم انقلاب در جهت مردمی شدن بیشتر آن است.

در چهارچوب این نبرد به تدریج جبهه های واقعی نیروهای هوادار انقلاب ایران و دشمنان انقلاب ایران، هم در درون کشور و هم در خارج آن، در حال شکل گیری است. این روند هم در حال تکامل و پیشرفت است و به نوبه خود یکی از دستاوردهای بزرگ و با اهمیت انقلاب ایران به شمار می رود.

اکنون مردم ایران شاهد تظاهراتی است که در جهت "مصادقه" هستند.

در درون ایران جبهه نیروهای ضد انقلاب را همه با نامندگان رژیم طاغوتی مرکب از بزرگ مالکان، کلان سرمایه داران و سایر غارتگران و اربابان و قاجاقچیان و ساواکی ها و ماجراجویان حرفه ای، لیبرال های "وجه المله" در رتبه جاده صاف کن های امپریالیسم، ستون پنجم امپریالیسم و ارتجاع در سیمای جیب آمیکانی، یعنی رنجران و ترانسکیست ها و بیگاری ها و دیگر گروهک های مائوئیست و شبه مائوئیست، "مارکسیست های تازه مسلمان شده" و "مسلمانان" - های تازه مارکسیست شده و انواع و اقسام نرجه های بوک دیگر و گروه های ماجراجو و افراطی و یا وابسته به ضد انقلاب مانند گومله و زرگاری و دارودسه، فاسلو و نظائر آن ها در مناطق دیگر اقلیت های ملی مانند بلوچستان تشکیل می دهند.

این جبهه یک هدف در مقابل خود قرار داده و آن براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

در برابر این جبهه، نیروهای راستین هوادار انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران قرار دارند، که علیرغم همه اختلافات و تضادهای واقعی و با ساختگی که در میان آنان وجود دارد، علیرغم همه ناراستی ها و کمبودهای ناشی از تنگ نظری ها و انحصار طلبی ها و واپس گرایی ها و ندانم کاری های گروه های قدرتمند، با تمام نیروی خود در راه نگهداری و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایستادگی می کنند.

مردم ایران امروز دیگر دشمنان خود را در جهان به خوبی شناخته اند، مردم ما فهمیده اند که دیگر تنها با آمریکا روبه روی نیستند. آنها جبهه جهانی دشمنان ایران را که آمریکا نقش سرکردگی آن را در دست دارد، به خوبی مشاهده می کنند. آن ها می بینند که کشورهای امپریالیستی اروپای غربی، ژاپن، خائنین چینی، اسرائیل و همه حکومت های ارتجاعی جهان و بویژه حکومت های ارتجاعی منطقه، از پاکستان گرفته تا ترکیه، در تلاش برای درهم شکستن انقلاب ایران فاعلان شرکت دارند.

این واقعیت آن قدر عیان گردیده که حتی آقای بنی صدر هم که خود یکی از معتقدین پروپا قرص امکان همکاری انقلاب ایران با امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن (که به عقیده ایشان مانند کشورها با "سلطه" دو ابر قدرت در جنگند) بود، در شماره ۸ دی ماه "انقلاب اسلامی" مجبور به اعتراف می شود که از این "مامزاده" هم "مجزه ای نمی توان انتظار داشت. او هم، اکنون می بیند که "فرانسه دموکرات و مورد علاقه" به عراق میراث می فرود و تسلیحات و تربیت نیروی پلیسی و امنیتی عربستان سعودی را تامین می کند... و در مقابل از واگذاری کسب های ایران که سه برابر بهای واقعی پولش را دریافت داشته سر باز می زند.

حتی در مورد افغانستان نیز، علیرغم همه مشکلات، روند شناخت واقعیت در حال گسترش است و امروز هواداران راستین انقلاب ایران هر روز بیشتر درک می کنند که اکثریت مطلق آن دارودسته هایی که به نام "مسلمانان" افغانی برای براندازی نظام خلقی افغانستان دست اندر کارند، هیچ گونه تفاوتی با ضد انقلابی های "خلق مسلمانی" و دارودسته های ساواکی و اویسی و بختیار ندارند و از همان قماش افرادی هستند که سرنخ هایشان به محافل امپریالیستی چین و پاکستان و مصر و عربستان سعودی وصل شده است.

در این یکساله هر روز روشن تر شده است که تنها نیروهای واقعی جبهه جهانی ضد امپریالیستی، یعنی کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی، جنبش کمونیستی و کارگری کشورهای سرمایه داری رسد یافته و جنبشها و حکومت های اصیل ضد امپریالیستی و مستقل در "دنیای سوم" بستنیان واقعی انقلاب ایران هستند و در سخت ترین شرایط، علیرغم همه "بی مبری ها"، توهین ها، دشمنی ها که از طرف برخی مقامات حاکمه جمهوری اسلامی ایران نسبت به آنان روا داشته شده، از هیچ گونه کمکی برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران، برای بیداری انقلاب ایران در برابر دشمنان دریغ نکرده و نخواهد کرد. خودداری

احساسدوروی از تحویل سلاح و جنگ افزار به عراق با وجود قراردادهای بسیار مهم موجود بین آن دو کشور و آمادگی برای کمک همه جانبه به ایران در مقابل پیامدهای محاصره اقتصادی و تهدیدهای روز افزون جهان امپریالیستی بسیاری از شوروی ستیزهای درون جبهه پایبندی ایران را به فکر واداشته است. درست به همین علت است که عوامل کین توز ضد شوروی، چه در جبهه دشمنان انقلاب و چه در میان کوتاه بینان جبهه پایبندی، به حادانه آفرینی های نظیر حمله به سفارت شوروی در تهران متوسل گردیده اند.

تجاوز آمیکانی عراق، به ایران کمک کرد تا مبارزان راستین انقلاب ایران متوجه شوند که در صحنه جهانی تنها آن نیروهای دوست و یشتیبان انقلاب ایران هستند که عملاً و واقعا در برابر امپریالیسم و صهیونیسم جهانی قرار گرفته و با آن در ستیزند. مردم ایران به خوبی دیدند که دوستان آمریکا و صهیونیسم و وابستگان به آن ها دشمنان آگاه انقلاب میهن ما هستند. این ها همه در سرفه های گرانبهای است که تجاوز حنایت بار آمیکانی صدام به میهن ما به مبارزان میهن ما داده است.

تشدید مبارزات طبقاتی

مقاومت و مبارزه نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه و ضد انقلاب داخلی، از لحاظ محتوی، حمله کامل روشن طبقاتی دارد. این مبارزه با زتاب مقاومت طبقات خلق، یعنی کارگران و دهقانان و روشنفکران و خرده بورژوازی زحمتکش برای جلوگیری از بازگشت غارتگری طبقات چپاولگر داخلی و خارجی یعنی بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و انحصارهای امپریالیستی است.

این مبارزه طبقاتی شدت یابنده در درون جامعه ایران هم در سال گذشته در همه زمینه ها مشهود بود. تضاد فنی نیست که در صحنه سیاسی کنونی ایران جنگ سخت میان دو جبهه، یعنی جبهه سرمایه داری بزرگ تجاری و رباخوار و سفته باز و بزرگ مالکان از یک سو و جبهه نیروهای هوادار اصلاحات ارضی بنیادی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین و محدود کردن غارتگری سرمایه های کلان تجاری (در چهارچوب اجرای اصل قانون اساسی درباره ملی کردن تجارت خارجی) و نیز هواداران توسعه مناسبات اقتصادی باندنای ضد امپریالیستی از سوی دیگر هر روز شدت می یابد و جبهه ها هر روز روشن تر می شود.

امپریالیسم- ضد انقلاب، مالکان و بازاریان طاغوتی تمام نیروی خود را برای جلوگیری از عملی شدن این تصمیمات که اولین گام های واقعی در راه اجرای اصول قانون اساسی به سود زحمتکشان است، به کار گرفته اند. با کمال تأسف می بینیم که این دشمنان با بهره گیری از دشواری های تجاوز امپریالیستی- صدامی موفق شدند اجرای بند "ج" یعنی اساسی ترین بند قانون اصلاحات ارضی را موق بگذارند. در مورد ملی کردن تجارت خارجی و هرگونه تصمیم دیگر در جهت محدود کردن غارتگری زالوهای اجتماعی یعنی رباخواران، سفته بازان، محتکران و گرانفروشان نیز همین مقاومت دیده می شود و این مقاومت، بدون تردید، در آینده هم شدت خواهد یافت. البته این نبرد کامل قانونمندان است. هرگز در تاریخ دیده نشده است که طبقات غارتگر داوطلبانه دست از چپاول بردارند. تنها خیال برستان می توانند چنین تصور کنند که با این نوصیه خود به غارتگران که "به تسم خریداران محروم دلخوش کنید"، خواهند توانست این زالوهای خون آسم را از سود پرستی بازدارند. سود پرستی بی حد و حصر قانون لاینفک

اقتصاد سرمایه داری است. تنها با نیروی مصمم طبقات محروم می توان برای سود پرستی لجام زد، چنگال بزرگ غارتگران را کوتاه کرد و سرمایه داران متوسط و کوچک را در چهارچوب منطقی و عادلانه نگهداشت.

آنچه مسلم است این است که انقلاب ایران در حال گسترش و زرف تر شدن است و تنها چیزی که ممکن است جلوی این روند قانونمندان انقلاب را بگیرد این است که توطئه نیروهای متحد جبهه دشمنان انقلاب ضد امپریالیستی و عمیقاً خلقی ایران سرکوب این انقلاب موفق شود. خطر پیروزی چنین توطئه های به طور مسلم و به طور بازگشت ناپذیر هنوز از بین نرفته است. بویژه به این علت که در صفوف نیروهای هوادار انقلاب به این خطر کم تر از آنچه که باید، بها داده می شود و به لزوم تدارک همه جانبه همه نیروهای راستین هوادار انقلاب شکوهمند کم تر از آنچه شایسته است ارج گذاشته می شود. در مقامات حاکمه جمهوری اسلامی هنوز به لزوم انجام اصلاحات عمیق اجتماعی در جهت جذب همه نیروهای محرومان جامعه بویژه توده های دهها میلیونی دهقانان، کارگران، روشنفکران زحمتکش و پیشه وران خرده پا کم بها داده می شود. و با این کم بها دادن، به ضد انقلاب و همدستان نوپس یعنی لیبرال ها، امکان داده می شود تا قشرهای روزافزونی را گمراه کنند و از انقلاب ناامید سازند و به سود نقشه های تبهکارانه ضد انقلابی خویش مورد بهره گیری قرار دهند. کم بهادادن به این امکان می تواند به نسیب و تحکیم و گسترش انقلاب درست گیری اساسی زبان های جبران ناپذیری وارد سازد. برخورد انقلابی به انجام دگرگونی های بنیادی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی به سود محرومان جامعه و پافشاری پیگیر در جهت اتحاد هر چه پهناتر نیروهای راستین انقلابی، ضامن بنیادی برای تامین پیروزی نهائی انقلاب است. باید که شید که سال سوم زندگی انقلاب شاهد پیشرفت های همه جانبه در این زمینه ها باشد.

اتحاد در جبهه دشمنان انقلاب. پراکندگی در جبهه نیروهای انقلاب

یکی از واقعیت های دردناک انقلاب ما از آغاز اوج گیری جنبش انقلابی تا کنون این بوده و هنوز هم هست که در صفوف جبهه دشمنان انقلاب، علی رغم اختلافات جدی، در مسئله براندازی جمهوری اسلامی اتحاد نظر و هدف و عمل وجود داشته و برعکس صفوف نیروهای یشتیبان انقلاب از اتحاد لازم و ضرور برخوردار نبوده است. این هم یکی از موفقیت های دشمنان انقلاب است که نگذاشته اند این اتحاد بوجود آید، شکل بگیرد و استحکام یابد.

توجهی به "دستور العمل برزیل" به روشنی نشان می دهد که امپریالیسم آمریکا تا چه اندازه برای تشدید چنددستگی و تفاق در میان نیروهای دارای گرایش های مختلف، چه در درون ایران و چه در صحنه جهانی، اهمیت تعیین کننده قائل است.

واقعیت این است که در تمام سال دوم انقلاب میان دو تاکتیک، یعنی تاکتیک گردآوری نیروهای راستین انقلاب از یک سو (و به طور عمده از سوی حزب توده ایران) و تاکتیک امپریالیستی - ارتجاعی "جداساز، به جان هم انداز و سرکوب کن" از سوی دیگر، نبردی گیری که حتی یک لحظه هم آرامش نیافت در جریان بود. در این نبرد، هم کامیابی هایی در جهت گرد آمدن نیروهای راستین هوادار انقلاب و هم ضررهای زبان آور و دردناکی در جهت تشدید جدایی در میان این نیروها وجود داشته است.

تحول مثبتی را که در شناخت و موضع گیری اکثریت اعضا و هواداران سازمان چریک های فدائی خلق، و هم چنین در شناخت و موضع گیری افراد و گروه هایی از مبارزان اسلامی پیرو خط امام و هم چنین در جناحی از حزب دموکرات کردستان ایران بوجود آمد، می توان به حساب کامیابی ها گذاشت. ولی در مقابل این کامیابی ها اقدامات تحریک آمیز و دشمنانه گروه های افراطی راست که سلما دست های ضد انقلاب، ساواکی ها و مائوئیست ها در میان آنان متغول کار است علیه گروه های انقلابی راستین میهن ما و به ویژه علیه حزب توده ایران و سازمان چریک های فدائی خلق و حتی گروه های انقلابی مسلمان متعهد مانند جنبش مسلمانان مبارز نه تنها به سود انقلاب نبوده بلکه زبان های جبران ناپذیری به اتحاد نیروهای انقلابی وارد ساخته است. همان اتحادی که یگانه ضامن واقعی پیروزی در برابر دسیسه های روزافزون و شدت یابنده امپریالیسم و ارتجاع و لیبرال ها می باشد. این اقدامات تحریک آمیز، به ویژه علیه حزب توده ایران، تا آن جا رسید که در جریان توطئه اغفال خانه حزب در تهران و دفاتر آن در شهرستان ها، ساواکی ها، مائوئیست ها، "افغان های آمریکایی"، گروهی از مبارزان مسلمان ناآگاه و بازی خورده دست اندر کار بودند.

با اگر به نشریات و مطبوعات ماه های اخیر توجه کنیم به روشنی دیده می شود که توشه های تحریک آمیز و افشانات و تهیست های ضد توده های بخشی از نشریات وابسته به گروه ها و سازمان هایی که خود را بدون چون و چرا در خط امام خمینی معرفی می کنند عینا دارای همان مضمونی است که روزنامه های کاملاً منحن لیبرالی و مائوئیستی، یعنی "میران" و "رنجبر" و "عدالت" و "انقلاب اسلامی" می نویسند و تازه نوشته های این روزنامه ها عینا تکرار همان لاطافاتی است که رادیوهای آمریکایی، انگلیسی، آلمان غربی، بختیار و اویسی علیه حزب توده ایران منتشر می سازند و در همین روزها هنرپیشه تازه صحنه تئاتر جهانی، رونالد ریگان هم به همه آن ها غسل تعمید داده است.

امید ما این است که گفته های ریگان و صدای آمریکا و بی بی سی و بختیار و اویسی بالاخره آن بخش از مبارزان راستین انقلابی ایران را که هنوز در دام این ترغیب امپریالیستی - ارتجاعی گرفتارند، بیدار کند. این امر بویژه در شرایط لحظه کنونی و در شرایط هر روز دشوارتر شونده آینده اهمیت حیاتی دارد.

در مرحله کنونی که جبهه ضد انقلاب با نیروهای تازه ای از داخل و خارج تقویت شده (لیبرال ها و گمراهان) پراکندگی در جبهه نیروهای راستین هوادار انقلاب می تواند سرنوشت ساز باشد و به دشمنان امکان دهد که از این پراکندگی برای درهم شکستن آنان بهره گیری نماید. اگر به جبهه نیروهای هوادار براندازی جمهوری اسلامی نگاه کنیم می بینیم با وجود این که میان آنان چه از لحاظ هدف های دیر- و چه از لحاظ هدف های نزدیک اختلاف نظرهای جدی وجود دارد، ولی در مبارزه برای هدف مشترک نزدیکشان، همه اختلافات را کنار گذاشته و تمام توجهن خود را به سوی این هدف مشترک، یعنی برانداختن دولت کنونی جمهوری اسلامی متمرکز ساخته اند.

در مقابل این اتحاد عمل که در جبهه نیروهای براندازی نظام جمهوری اسلامی دیده می شود، در جبهه نیروهای راستین هوادار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی با وجودی که نه تنها در زمینه آماج های تاکتیکی کوتاه مدت، بلکه در زمینه آماج های استراتژیک دراز مدت نیز اشتراک نظرهای دانشمندان و ژرف و بنیادی وجود دارد، در عمل سیاسی هنوز روش های انحصار طلبانه در بخش قابل توجهی از نیروهای وابسته به سازمان ها و گروه های اسلامی حاکم است و این، هم در زمینه مبارزات درون کشور و هم در میدان سیاست جهانی، به چشم می خورد و سرچشمه زبان های جبران ناپذیر به انقلاب ما است.

حزب توده ایران در سراسر دوران فعالیت خود و بویژه از همان آغاز اوج گیری جنبش انقلابی کنونی، امر اتحاد نیروهای راستین انقلابی مسلمان و هواداران سوسیالیسم علمی را در یک جبهه متحد همواره به عنوان مسئله مرکزی برای پیروزی قطعی و بازگشت ناپذیر انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی مطرح نموده و با بی گیری از آن دفاع کرده است.

تشکیل چنین جبهه ای، بخصوص در شرایط کنونی، به صورت یک ضرورت مبرم تاریخ کشور ما در آمده است. "جبهه متحد خلق"، "جبهه واحد" و یا هر نام دیگری که بر آن نهند جبهه ای است که همه نیروهای راستین هوادار انقلاب را، صرف نظر از گرایش های عقیدتی، سیاسی و فلسفی شان، فرا گیرد، یعنی همه نیروهای را که خواستار نگهداری دستاوردهای انقلاب شکوهمندمان هستند و آماده اند برای ریشه کن ساختن هرگونه سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم، در راه دگرگونی های بنیادی در نظام اجتماعی - اقتصادی به سود محرومان دهها میلیونی شهر و روستا، در جهت برانداختن نظام بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و محدود کردن ثروت اندوزی سرمایه داران متوسط و کوچک در چارچوب قانون اساسی و در جهت تکمیل آن و در راه اعتلاء و شکوفایی همه جانبه زندگی اجتماعی و تامین آزادی همه جانبه برای خلق مبارزه کنند.

حزب توده ایران پیشنهادهای روشن و همه جانبه خود را برای یک چنین جبهه ای مطرح کرده و امیدوار است که سرانجام زندگی و تجربه انقلابی سایر نیروهای راستین هوادار انقلاب بنیادی اجتماعی را در ایران به درستی این پیشنهادها قانع سازند.

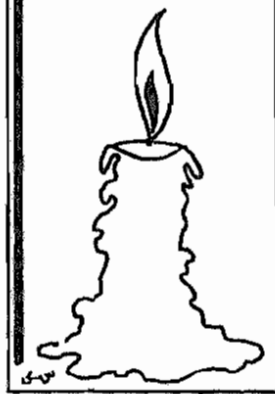
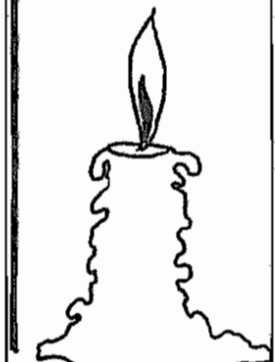
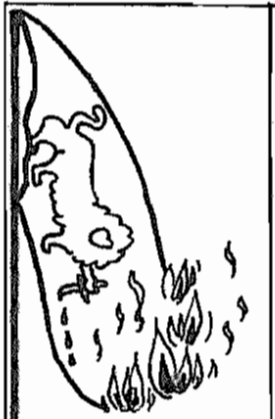
همه چیز شاهد آن است که سال سوم زندگی انقلاب ایران سال درگیری های بازم سخت تر خلق های ما با توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم جهانی، سال درگیری های بازم عمیق تر طبقات محروم جامعه ما با طبقات غارتگر بزرگ مالک و کلان سرمایه دار، سال بازم روشن تر شدن جبهه های نیروهای ضد انقلاب و انقلاب، سال نزدیکی و شناخت بازم بیشتر گردان های مختلف نیروهای انقلابی میهن ما، سال نزدیکی بیشتر انقلاب ایران با جبهه جهانی نیروهای ضد امپریالیستی خواهد بود.

شرکت سهامی بسرق منطقه ای غرب به نامه

«مردم» پاسخ میدهد
شرکت سهامی برق منطقه ای غرب، طی نامه ای به شماره ۲۸۴۷/۳۹۱۰ مورخ ۲۲ بهمن ۵۹، به مطلب نامه «مردم» زیر عنوان «فرمان امام برای بخشیدن برق مسرفی خانواده های کم درآمد را اجرا کنید»، مندرج در شماره ۲۳۸، نامه «مردم» مورخ ۲۹ بهمن ۵۹، که در تاریخ ۱۸/۱۱/۵۹ به نامه «مردم» رسیده - پاسخ داده است، که در زیر عینا درج می گردد:

این شرکت در مورد کلیه روستاهای برق دار، منجمله صحنه، مفاد بخشنامه های وزارت نیرو را در مورد بخشودگی مسرفی برق اعمال نموده است. در صورتی که در مورد ادعای عنوان شده در روزنامه مذکور مدارک موجود است، ارائه گردد، تا اقدام لازم بعمل آید.

نامه «مردم» چنانکه ملاحظه میشود، نامه فرق خیلی دیر به نامه «مردم» رسیده، و متأسفانه در این فاصله، بملت اشغال دتن نامه «مردم» توسط اشخاص غیر- مسئول، اسناد و مدارک موجود از بین رفته است و فعلاً امکان بررسی نیست.



دستاوردهای انقلاب...

بته از صفحه ۴

ج: آزادی انتخابات

برای اولین بار در تاریخ ایران، مردم ما توانسته‌اند در همه‌پرسی شرکت کنند و با رای آزاد خود، در سرنوشت خویش شرکت کنند. انتخابات نیز، هرچند از فشارها درمان نبوده، اما در مجموع، مردم را آزادانه در تعیین سرنوشت خود شرکت داده است.

۴- ارگان، نهادها، قوانین...

الف: استقرار ارگانها

انقلاب ایران، علیرغم تمام تلاشها، توطئه‌ها و فریبهای امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن توانست از همان ابتدا ارگان‌های انقلاب را ایجاد و مستقر کند. دادگاههای انقلاب، کمیته‌ها، سپاه پاسداران، جهادسازندگی، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، کمیته امداد امام و... توانستند در دو سال گذشته، با وجود برخی نقایص و نارسائی‌ها و اشتباهات، خدمات بزرگی به انقلاب ایران بکنند. سپاه پاسداران، بویژه بعد از تجاوز آمریکائی رژیم صدام به خاک میهن انقلابی‌ما، نشان داد که ایجاد آن در حفظ انقلاب ایران چنانچه میبایست داشته است.

ب: برپایی نهادها

در دو سال گذشته نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، علیرغم همه توطئه‌ها، ایجاد شد. رئیس‌جمهور انتخاب گردید. مجلس شورای اسلامی ایران کار خود را آغاز کرد. دولت تشکیل شد.

پ: قوانین

مردم قهرمان ایران در دو سال گذشته توانستند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تدوین و تصویب کنند. این قانون، علیرغم کمبودها، نقایص و ایرادات، در مجموع خود توانسته‌است خواستهای عمومی انقلاب ایران را با رای بیش از ۱۶ میلیون نفر قانونیت ببخشد. بعد از آغاز کار مجلس شورای اسلامی ایران، کار تصویب قوانین بر شالوده قانون اساسی آغاز شده است.

در آستانه دومین سال پیروزی انقلاب، مجلس تصویب قوانین بنیادی را در مورد مالکیت ملی کردن بازرگانی خارجی، آزادی احزاب، اصلاحات ارضی، قانون کار و... در چشم‌انداز دارد. امید همه انقلابیون آنست که مجلس با تصویب قوانینی مترقی، راه را برای رشد جامعه ایران و پیشرفت و تعمیق انقلاب باز کند.

۵- تغییرات در دستگاه

دولت و ارتش

با واژگون شدن «سر» رژیم گذشته، «بدنه» آن دست نخورده به انقلاب تحویل داده شد. امپریالیسم آمریکا، که با روی کار آمدن دولت لیبالی و عقب‌نشینی ارتش شاه در روزهای نبرد مسلحانه، امیدوار بود که دستگاه دولتی و ارتش تا حد اکثر ممکن دست نخورده باقی بماند، با کمک لیبالی‌ها کوشید و هنوز هم می‌کوشد، تا مانع تغییرات اساسی در دستگاه اجرایی شود. لیبالی‌ها حتی با اعدام هویدا نخست‌وزیر ۱۳ ساله رژیم شاه هم مخالف بودند. اما انقلاب توانست در مرحله اول مدیسان عالی‌رتبه ادارات و امرای ارتش را، که در اکثریت مطلق خود وابسته به رژیم گذشته بودند، برکنار کند. از این گروه بخشی به دادگاههای انقلاب سپرده شدند و بخشی نیز بازنشسته گردیدند. در مرحله بعد، هرچند با تاخیر و ناپیکیری، تصفیه عوامل رژیم گذشته آغاز شد. در این پاکسازی عده زیادی از سرسپردگان، جاسوسان و عوامل رژیم گذشته برکنار شدند. ولی متأسفانه پاکسازی شامل گروهی از انقلابیون وفادار به جمهوری اسلامی ایران نیز شد و حتی برخی از عناصر رژیم گذشته توانستند به عضویت هیئت‌های پاکسازی درآیند. بعد از تشکیل دولت آقای رجایی، اعلام شد که پاکسازی ادارات، موسسات و وزارتخانه‌های دولت مجدداً موزده ارزیابی قرار می‌گیرد. امید انقلابیون این است که وابستگان به رژیم گذشته، که با گذاشتن ریش و گرفتن تسبیح بدست، «مسلمان» شده‌اند، پاکسازی

شوند و افراد مومن به انقلاب به کارها بازگردانده شوند.

در ارتش نیز، چنانکه دکتر باهنر، عضو شورای انقلاب، بعد از پایان کار این شورا اعلام داشت، علاوه بر تصفیه و محاکمه امرای خائن، کلیه امرای پارتیست شده، در درجات ارتشیدی و سپیدی لغو گردید. در سطح وسیع تصفیه انجام شد. بسیاری از تمایزات ارتش رفیع و رویه گماشته‌گیری و تنبیه بدنی لغو گردید.

۶- مبارزه با فساد

انقلاب، هرچند ضعیف‌تر از جوانب دیگر، در دو سال گذشته مبارزه با فساد را آغاز کرده این مبارزه نیز خالی از اشتباه و قشری‌نگری نبود. اما در مجموع توانست ثمرات معینی برای انقلاب همراه داشته باشد. انقلاب در دوران معینی با جدیت تمام با اعتیاد و عوامل آن به مبارزه پرداخت. این مبارزه توانست تا حد معینی رشد این بلائی خانمانسوز را متوقف کند. روشن است که اگر این مبارزه تا ریشه کن شدن اعتیاد ادامه نیابد، این بلائی خانمانسوز باز دیگر رشد خواهد کرد.

در زمینه فرهنگی نمایش فیلم‌های خلاف اخلاق و بدآموز ممنوع اعلام شد. با اینکه این ممنوعیت با پیگیری دنبال نشد، ولی در عمل نمایش این فیلم‌ها به حداقل رسید. برای اولین بار در تاریخ ایران، سینماها به نمایش فیلم‌های انقلابی پرداختند. این روند خوشبختانه در دو سال گذشته در حال رشد مداوم بوده است.

در زمینه موسیقی نیز، موزیک انقلابی و مترقی جای وسیعی را بخود اختصاص داد. با اینکه انواع نوازهای مبتذل هنوز در اختیار مردم قرار می‌گیرد، با حمایت انقلاب از موسیقی سالم، بدون تردید در یکی از مهمترین زمینه‌های بدآموزی، تحول جدی ایجاد خواهد شد.

رادیو و تلویزیون نیز، که پراثرترین وسایل اشاعه فرهنگ هستند، خوشبختانه فرهنگ مبتذل تجری را در اغلب زمینه‌ها دور ریختند. در این دو وسیله توده‌گیر بسیار مهم، موسیقی سالم جانشین مبتذلات آریامیری شد. فیلم‌های سینمایی مترقی، که هدف آنها تفریحی امپریالیسم و پرورش احساسات عالی انسانی است، جای شوهای مبتذل و فیلم‌های بدآموز غربی را گرفت. باید گفت این روند نیز در حال گسترش بوده است، با تاکید بر این نکته که در این زمینه هنوز باید کارهای زیادی انجام گیرد و بویژه توجه شود که مبارزه با فساد در زمینه هنر، بابر خورد قشری همراه نباشد.

۷- دستاوردهای اقتصادی

برای خلق

هرچند دستاوردهای اساسی انقلاب سیاسی است و این دستاوردها هستند که با تثبیت، تعمیق و گسترش آنها، راه برای کسب دستاوردهای اقتصادی فراهم میشود؛ با اینکه امپریالیسم، ضدانقلاب داخلی، ساواکی‌ها، مائوئیست‌های آمریکائی، لیبالی‌ها، انواع توطئه‌ها و کارشکنی‌ها را انجام دادند، تا مانع از کسب دستاوردهای اقتصادی شوند، اما انقلاب توانست دستاوردهای مهم اقتصادی در زمینه‌های گوناگون تسبیب خلق کند. اهم این دستاوردها را میتوان بصورت زیر فهرست‌بندی کرد:

۱- کارگران: بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، حداقل دستمزد کارگران بیش از دو برابر شد. قانون حداکثر ۴۴ ساعت کار در هفته به تصویب رسید و مرخصی‌های رسمی کارگران و کارمندان برابر شد. البته گرانی دستاوردهای کارگران را در زمینه دستمزد بیاد داده است. لذا در این زمینه، باید با ملی کردن بازرگانی خارجی و تعیین مجدد حداقل دستمزد مناسب با هزینه زندگی، وضع کارگران را بهبود بخشید.

۲- کشاورزان: با تصویب قانون اصلاحات ارضی در شورای انقلاب، علیرغم همه فشار کارشکنی‌های فئودال‌ها، واگذاری زمین در نقاط مختلف ایران آغاز شد. هیات انفری در ۳۲ نقطه ایران شروع بکار کرد و مقدار زیادی زمین به دهقانان واگذار شد. متأسفانه هنوز فهرست کامل زمین‌های واگذار شده منتشر نشده است. با اینهمه فهرست کوچکی که براساس اخبار منتشره از فعالیت گروه‌های انفری در استان‌های مختلف تهیه شده، می‌تواند بخشی از این امر را نشان دهد.

شهر یا محل مقدار زمین واگذار شده به مقیاس هکتار

قزوین	۱۵۰۰۰
نوشهر و چالوس	۴۹۳
کلاردشت	۷۰۰
نور	۸۴/۸
زنجان	۱۰۰۰۰
مشهد	۶۰۴۱
گیلیگان	۷۰۰۰
کاشان	۱۵۲۵
برخوار	۱۲۱۲
لنجان	۹۳۲
نطنز	۸۰۸
نجف‌آباد	۱۴۷۴
فریدن	۶۹۶
نائین	۴۹۹
اردستان	۴۷۶
شیراز	۵۶۸
میمنه و کوهپایه	۱۲۵
کرمان	۱۷۷۲۵
شهرکرد	۴۴۸۴

راه - در دو سال گذشته ۲۱۳۰۰ کیلومتر راه در نقاط مختلف کشور ساخته شده است. این مقدار ۳ برابر مقدار راهی است که رژیم پهلوی در طول ۵۰ سال ساخته است. ارتباطات - ۱۳۴ شهر و روستای جدید زیر پوشش پست قرار گرفته، در ۵۱ بخش و روستا تلفن دایر شده، ۷۳۰۰۰ تلفن جدید داده شده و ۷۰۰ روستا زیر پوشش مخابرات قرار گرفته است.

برق - ۲۶۰۰۰ روستا برق‌رسانی شده. (کل روستاهائی که در زمان رژیم گذشته برق داشته‌اند، ۴۱۸۶ روستا بوده است)

آب - لوله‌کشی ۹۷۴ روستا پایان گرفته و لوله‌کشی ۴۵۱ روستا در حال اتمام است. پل - ۱۹۵۲ پل ساخته شده و ۳۸۸ پل در دست ساختمان است.

کتابخانه - ۳۳۶۰ کتابخانه در روستاها تاسیس گردیده است. لایروبی قنات - ۶۷۹۵ قنات لایروبی شده است.

فعالیت‌های جهادسازندگی، جهادسازندگی، بعنوان یکی از مهمترین و فعالترین نهادهای انقلابی، برای اولین بار در تاریخ ایران، پدیده افتخارترین روستاهای ایران رفته و هزاران حمام، دبستان، غسلخانه، راه، پل و... توسط اعضای این جهاد ساخته شده است.

برخی از فعالیت‌های جهادسازندگی بشرح زیرین است:

حمام: ۱۱۲۳ واحد
درمانگاه: ۳۷۰ واحد
منبع آب: ۱۰۲۳ واحد
برق‌رسانی: به ۱۰۵۵ روستا
لوله‌کشی: به ۱۸۲۱ روستا
حفر چاه عمیق: ۱۴۲۳ حلقه
حفر چاه معمولی: ۱۳۶۲ حلقه

تهیه و واگذاری ماشین‌آلات کشاورزی: ۳۱۶۶ دستگاه

واگذاری تراکتور و کمپاین: ۱۳۳۴ دستگاه کتابخانه: ۷۳۱۳ واحد

مدرسه - ۴۵۰۰ مدرسه در شهرها و ۱۰ هزار مدرسه روستائی در سراسر ایران ساخته شده است.

درمانگاه و بیمارستان - ۲۰۰ درمانگاه و بیمارستان در دو سال گذشته ساخته شده است.

سیاست خارجی:

ضد امپریالیستی

در سیاست خارجی، انقلاب شکوهمند مردم ایران در دو سال گذشته دستاوردهای ارزشمندی داشته است. انقلاب ایران در دو سال گذشته، در رابطه با جهان‌باز گور راه‌های ناهمواری گذشته، بازارها، با هدایت لیبالی‌ها، انقلاب تا آستانه پرتگاه سازش با امپریالیسم رفت، اما هر بار به نیروی خلق و درایت رهبر انقلاب بازگشت. خلق قهرمان ایران، در فیردی بی‌امان و رویارو با دشمنان خود، توانست بر بسیاری از پیشنهادها غلبه کند و به شناخت گرانقیمتی از دوستان و دشمنان خود در جهان دست یابد و بسیاری از حلقه‌های وابستگی به امپریالیسم را بکسند. این روند دشوار و حماسی را میتوان چنین فهرست‌بندی کرد:

۱- شناخت دشمن اصلی

توده‌های میلیونی خلق، بویژه بعد از تسخیر جاسوسخانه آمریکا در تهران و افشای

اسناد، وسایل و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، توانست روند درازمدتی را در کمتر از چندماه پشت سر بگذارد. به یمن انقلاب دوم، توده‌های میلیونی با شعار «مرگ بر آمریکا» در ابعاد بیسابقه‌ای بسیج شدند و امپریالیسم جهانی، پس‌گردگی آمریکا، بعنوان «شمن اصلی» و «شماره یک» و «شیطان بزرگ» هدف اصلی خشم خلق قرار گرفت. رهبر انقلاب با سخنان معروفی چون «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید»، «در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکاست» به خصلت ضد امپریالیستی توده‌ها عبق و جهت داد.

۲- اقدام برای قطع

وابستگی

انقلاب ایران در دو سال گذشته، پیش و پس از تسخیر جاسوسخانه آمریکا، قدم‌های بلندی برای قطع وابستگی به امپریالیسم آمریکا برداشت، که برخی از آنها باین شرح است: الف- خروج از پیمان تجارزکار سنتو، ب- قطع رابطه با آمریکا، پ- عدم فروش نفت به آمریکا، ت- کوتاه کردن دست انحصارهای نفتی از منابع نفتی کشور و اقدام به فروش مستقل نفت، ث- لغو قرارداد دوجانبه نظامی اسارت‌بار آمریکا با ایران، ج- لغو قرارداد خرید اسلحه، چ- برچیدن پایگاه‌های جاسوسی آمریکا از کشور، ح- اخراج مستشاران آمریکائی و دیگر کشورهای امپریالیستی از ایران، خ- قطع رابطه مالی و پولی با آمریکا.

۳- شناخت متحدان

و دست نشاندهان آمریکا

انقلاب ایران در دو سال گذشته، در جریان توطئه‌های ششگانه امپریالیسم آمریکا، توانست متحدان دشمن اصلی و دست‌نشاندهان آن را بشناسد. در این زمینه، ایران علاوه بر آمریکا، با اسرائیل، آفریقای جنوبی، مصر، اردن، مغرب و سیشلی قطع رابطه کرد. مردم ما همچنین با ماهیت دست‌نشاندهان آمریکا در منطقه و کنفرانس‌های به اصطلاح اسلامی آشنا شدند.

۴- شناخت دوستان

انقلاب ایران در دو سال گذشته، بویژه در چند ماه گذشته، گام‌های بزرگی در راه شناخت دوستان خارجی خود برداشت. ایران با کشورهای مترقی مسلمان، با اعضای جنبه پایداری روابط بسیار نزدیک برقرار کرد و با جمهوری دمکراتیک خلق کوبا روابط نزدیکی پیدا کرد. با اینکه متأسفانه روابط ایران با کشورهای انقلابی جهان هنوز استواری کامل پیدا نکرده و سیاست خارجی ایران مدون نشده است، امید میرود که روند نزدیکی ایران به متحدان و دوستان خارجی آن بیش از پیش گسترش یابد.

۵- حرکت بسوی استقلال

واقعی و کامل

انقلاب ایران در دو سال گذشته، هم‌زمان با قطع بسیاری از رشته‌های وابستگی، توانست گام‌های مثبت دیگری نیز بسوی استقلال واقعی و کامل کشور بردارد. در این زمینه باید از پیوستن ایران به جرگه کشورهای غیرمتهد و آغاز سیاست مستقل در اریک نام برد.

روشن است که تا پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران هنوز راه طولانی، بفرنج و دشواری در پیش است. هنوز باید تدابیر جدی برای قطع کامل وابستگی به امپریالیسم در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از بین بردن بقایای سرمایه‌داری وابسته و بزرگ مالکی و ریشه کن ساختن ضدانقلاب اتخاذ کرد. هنوز باید گام‌های اساسی در راه تامین آزادیها و حقوق دمکراتیک زحمتکشان برداشت. هنوز باید شناخت خود را از دوستان و دشمنان انقلاب در داخل و خارج بهتر و عمیقتر کرد. سخن دیگر، باید دستاوردهای انقلاب را تثبیت کرد، تحکیم نمود و گسترش داد.

ما اطمینان داریم که خلق قهرمان ایران، برغم تمام توطئه‌ها و دشواریها و بفرنجیها، با عزمی راسخ، با گام‌های استوار و با شور و شوق انقلابی در این راه پیش خواهد رفت و انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی خود را به پیروزی قطعی و نهائی خواهد رسانید.

اعلامیه سازمان جوانان توده ایران به مناسبت دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران

دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران
تاکنون امپریالیسم و ضدانقلاب، ترمیم
هر چه بیشتر انقلاب و مبارزه را می بینیم
انقلابی بدل سازیم!

دوسال از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران می گذرد، انقلابی که بر سلطه ۳ هزار ساله نظام شاهنشاهی پایان بخشید و بسا سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی، سرآغاز مرحله نوینی در زندگی مردم و جوانان ایران گردید.

در این دوسال مردم قهرمان ایران، دوش به دوش هم یکپارچه و متحد، پرچم انقلاب شکوهمند خود را برافراشته نگه داشتند و بایندر پیگیر و تلاش پیدریغ خود، آن را عمق و ژرفی بیشتری بخشیدند. تلاش های امپریالیسم - سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در برابر عزم استوار و اتحاد مردم با شکست مواجه شد و کوشش لیبرال ها برای انحراف و حفظ وابستگی به امپریالیسم ناکام ماند. در جریان دوسال نبرد پرتلاطم علیه امپریالیسم و ضدانقلاب، دوستان و دشمنان انقلاب ایران شناخته شدند و در زمینه گسترش مناسبات و تحکیم اتحاد و همبستگی با کشورهای مترقی، بویژه کشورهای مترقی عرب و سازمان آزادیبخش فلسطین، گام های نویدبخشی برداشته شد. تلاش لیبرال ها برای انزوای ایران از جهان انقلابی - کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سرمایه داری و جنبشها و انقلاب های رهایی بخش ملی و کشورهای مترقی و ضدامپریالیست - به شکست انجامید و لیبرال ها، که به پیروی از رهنمود پرژینسکی می کوشیدند، تا میان ایران انقلابی و نیروهای انقلابی جهان تخاسم و جدایی پدید آوردند، ناکام ماندند.

در عرصه داخلی نیز، علیرغم توطئه ها و سنگ اندازی لیبرال ها، انحصارطلبی ها و تنگ نظری های برخی نیروهای ضدامپریالیست، اتحاد نیروهای انقلابی در عمل عمیق بیشتری یافت و برخی پیشداوریه ها در کوره آزمون های سخت مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع زده شده.

دوسالی که از انقلاب شکوهمند مردم ایران گذشت، سالهای مبارزه برای سازندگی نیز بود. مردم و جوانان ایران در جوار مبارزه علیه امپریالیسم و ضدانقلاب، به تلاشی پیگیر برای ریشه کن ساختن نظام گذشته و ساختمان ایرانی نو دست زدند. علیرغم تلاش های نیروهای مدافع استثمار و بهره کشی، که در برخی موارد توانستند تا حدی در این روند بالنده وقفه ایجاد کنند (از جمله در اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی) انقلاب ایران در این زمینه

نیز به دستاوردهای بزرگی نایل آمد. در همین حال مبارزه برای ریشه کن سازی نظام «طاغوت» و ساختمان ایرانی نو، خود صحنه مبارزه بی امان میان نیروهای پیشرو و هوادار گسترش وجه خلقی انقلاب و تامین حقوق زحمتکشان، با مدافعین بزرگ مالک و سرمایه داری کلان بود.

اکنون، مردم و جوانان ایران در شرایطی پا به آستانه سومین سال حیات انقلاب خود می نهند که امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در تدارک اجرای هفتمین توطئه خود برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. ریگان صراحتاً از تلاش امپریالیسم آمریکا برای روی کار آوردن یک دولت «مستدل» در ایران پرده برمی دارد و به تشدید حضور نظامی در اقیانوس هند و خلیج فارس ادامه می دهد. امپریالیسم آمریکا، که از شکست توطئه های قبلی خود دستخوش چونون شده، تلاش برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را شدت بخشیده است. جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام - که از حمایت پیدریغ امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه برخوردار است - همچنان ادامه دارد و این امر به وظیفه مهم دفاع از میهن انقلابی اولویت خاصی بخشیده است. بورژوازی لیبرال تحت پناه واهی «خطر حزب توده ایران» و با پرافرایشن پرچم دروغین «آزادی» - که در واقع آزادی سرمایه داری و زمینداری کلان در ادامه غارت و استثمار است - مبارزه همه جانبه علیه خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی را شدت بخشیده است، و تملل ها، کاستی ها و انحصارطلبی های برخی نیروهای انقلابی، زمینه مناسبی برای فعالیت ضدانقلاب و لیبرال ها فراهم ساخته است.

های آمریکائی و لیبرال ها را از میان ببرند. ۴- با بسیج همه نیروهای جوان متحد و مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی، و بسا استفاده از همه امکانات موجود، در راه تحقق حق تحصیل برای نوجوانان و جوانان - که در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده - بکوشند و بدین سان، شرایط لازم را برای کسب آموزش و رشد استعداد های جوانان در امر ساختمان ایرانی نو فراهم آورند.

۵- امکانات علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی لازم را برای شکوفایی و رشد استعداد های جوان فراهم سازند.

۶- تسهیلات لازم را بمنظور تامین برخورداری جوانان از حق تشکیل خانواده فراهم آورند.

سازمان جوانان توده ایران، از همه جوانان انقلابی و ضدامپریالیست می طلبد که در آستانه سومین سال حیات انقلاب، با تحکیم اتحاد خود و با تلاش و پیکار بیشتر، در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکوشند. در هر محیطی که هستند، اعم از مدرسه، کارخانه، کارگاه، اداره، روستا و غیره، تلاشهای ضدانقلاب را بمنظور ایجاد تفرقه و درگیری، آشوب، اعتصاب و کم کاری نقش بر آب سازند و به افتاء و خنثی سازی عملیات خرابکارانه عناصر چپ نما و ماجراجو بپردازند. باشد که در یرتو تحکیم اتحاد و همیاری همه مردم و جوانان انقلابی میهن، سومین سال انقلاب را به سال شکست کامل امپریالیسم و ضدانقلاب، سال تعمیق هر چه بیشتر انقلاب شکوهمند مردم ایران، سال سازندگی و شکوفایی میهن انقلابی بدل سازیم.

سازمان جوانان توده ایران، در دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران، صمیمانه ترین تبریکات خویش را به امام خمینی، رهبر قاطع و سازش ناپذیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به مردم و جوانان ایران و به همه نیروها و سازمان های مترقی و ضدامپریالیست تقدیم می دارد.

فرخنده باد دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران!
درد بر امام خمینی، رهبر قاطع و سازش ناپذیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران!
زنده باد جبهه متحد خلق، ضامن تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران!
سازمان جوانان توده ایران
۱۳۵۹/۱۱/۲۰

از اینرو، در آستانه سومین سال انقلاب شکوهمند ایران، تحکیم اتحاد بمنظور دفاع از میهن انقلابی و مبارزه در راه تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب و تلاش برای تامین حقوق زحمتکشان و توده های مردم - از جمله جوانان - اهمیتی می یابد.

سازمان جوانان توده ایران، که تحت رهبری حزب توده ایران در مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران و تامین حقوق جوانان فسالانه شرکت دارد، از دولت جمهوری اسلامی و مسئولین امر می طلبد که بمنظور بسیج هر چه بیشتر جوانان در دفاع از انقلاب و ساختمان ایرانی نو، به انجام اقدامات زیرین توجه جدی مبذول دارند:

۱- به پیروی از رهنمود امام خمینی مبنی بر بسیج ارتش ۲۰ میلیونی، به امر آموزش رزمی و نظامی جوانان توجه جدی تر کنند و بسا تقویت نهادهای انقلابی، بویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در امر بسیج همه جوانان، توان انقلابی جمهوری اسلامی را در مقابله با توطئه ها و تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام فزون تر سازند.

۲- با برنامه ریزی صحیح، نیروی همه جوانان را در امر سازندگی و آبادانی میهن، در به کار انداختن چرخ صنایع و کشاورزی و در امر بازسازی مناطق جنگ زده و تقویت پشت جبهه، به کار گیرند.

۳- برای مقابله با غول بیکاری، که هر اکنون میلیون ها جوان زحمتکش را بسا خطرناک خرابی مواجه ساخته، اقدامات جدی و سریع انجام دهند. با تامین حق اشتغال برای جوانان، زمینه های فعالیت ضدانقلاب، مائوئیست

«گس هال دبیر کل حزب کمونیست آمریکا تبلیغات ضد شوروی مقامات امریکائی را محکوم میکنند»

گس هال دبیر کل حزب کمونیست آمریکا تبلیغات ضد شوروی در آمریکا را شدیداً مورد انتقاد قرار داد و اظهارات رهبران دولت جدید آمریکا را که سعی دارند اتحاد شوروی را مسئول تروریسم بین المللی معرفی کنند به دوراز مسئولیت و سراپا دروغ خواند. گس هال گفت این اظهارات با واقعیت و عقل سلیم یکلی مغایرت دارد. کاملاً واضح و آشکار است که این حملات قبل از هر چیز علیه نیروهای ملی رهایی بخش در آمریکای جنوبی، مرکزی و در آسیا و آفریقا متوجه است.

گس هال طی سخنانی در اجتماعی که در کالیفرنیا برپا شده بود گفت علت حمله چونون آئین ضد شوروی طرفداران جنگ سرد که از سین رویدادهای زمان عقب افتاده اند، آن است که اتحاد شوروی از کشورهای و ملت هایی که در راه آزادی ملی مبارزه میکنند پشتیبانی می نماید. ایالات متحده آمریکا تلاش میکند سیاست تنش زدایی و قرارداد سالت ۲ (محدود کردن سلاح های استراتژیکی) را بیک گروکشی بدل نماید و بهای آن را خودداری اتحاد شوروی در پشتیبانی از جنبش های ملل در راه آزادی ملی و بخاطر سوسیالیزم قرار دهد. ولی آمریکا باید این نکته را درک کند که پیوند اتحاد شوروی با روند انقلابی جهان یکی از وجود مشخصه اساسی و خلل ناپذیر جهان کنونی است.

گس هال سپس گفت تهدید الکساندر هیک وزیر امور خارجه آمریکا به اینکه ایالات متحده آمریکا در سیاست خارجی خود بیجای فعالیت در راه دفاع از حقوق بشر، به مبارزه علیه تروریسم بین المللی خواهد پرداخت در ماهیت امر عبارت است از تشدید حملات و تبلیغات علیه اتحاد شوروی، آئین به دلیل کمک و پشتیبانی اتحاد شوروی از نهضت های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه.

تهدید خواهد کرد، چنین تصمیمی اتخاذ کرده اند.
بلوخن، - خاطر نشان کرد: «پیشنهاد استقرار اینگونه سلاحها در خاک کشورهای اروپای غربی بمنزله پذیرش ضربه های هسته ای از جانب این کشورها در صورت وقوع جنگ اتمی است. در عین حال معلوم میشود که دولت آمریکا قصد دارد با تلاش برای گزند نا پذیری کشور خود، کشورهای اروپای غربی را به عرصه درگیریهایی جنگ هسته ای تبدیل کند»



تولید سلاح نوترونی بشریت را با خطر جدی روبرو می کند

نیکسای بلوخن، رئیس فرهنگستان پزشکی اتحاد شوروی، اظهار داشت که بررسی مجدد تولید سلاح نوترونی، که دولت ریگان در آن باره تصمیم گرفته است، برای بشریت خطری جدی دربر دارد.

بلوخن، ضمن محکوم کردن این تصمیم دولت آمریکا، خاطر نشان ساخت که اجرای این نقشه ها خطر جنگ هسته ای را می افزاید. وی گفت:

«اگر جنگ هسته ای آغاز شود، بلافاصله حداقل ۱۵۰ میلیون نفر بهلاکت خواهند رسید. علاوه بر این، عوارض ناشی از استعمال سلاح هسته ای، بشریت را دچار مسائل بفرنجی خواهد کرد که شیوع بیماریهای رادیواکتیوی (اشعه اتمی)، سرطان خون و دیگر بیماریها از آن جمله اند»

دانشمند شوروی گفت: «همچنین بنظر میرسد که مقامات امریکائی بدون توجه به خطرات عظیمی که بشریت را

نامه «مردم» روز چهارشنبه منتشر نمی شود

ضمیمه نامه مردم برای جوانان توده شماره ۵ بهمن ۱۳۵۹ منتشر شد

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

- انقلابی بزرگتر از انقلاب اول
- خانه از پایست ویران است
- یکسال همراه فراز و نشیب های انقلاب

ویژه نامه دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران



ضمیمه نامه «مردم» با مطالب زیرین منتشر شد:
- دومین سال انقلاب شکوهمند بهمن، سال پیروزی بر توطئه های بیابای امپریالیسم و ضدانقلاب
- در کوره آزمون تاریخ
- حزب توده ایران و نقش آن در پاسداری و پالندگی انقلاب
- سالی دیگر همراه با خط ضدامپریالیستی و خلقی امام
- تا شب چراغ دریا... (شعر)
- نهادهای انقلابی در خدمت آرمانهای انقلاب
- دو سال مبارزه دهقانان زحمتکش برای زمین
- شهیدان بهای آزادی خلق را از جان خویش میدهند
- دو سال نبرد با امپریالیسم جنایتکار آمریکا

نامه مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست
NAMEH MARDOM
No. 441
10 February 1981
Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۱۴ پستی تهران ۴۱/۳۵۵۹